

جنبش روبه اعلا و ناتوانی هیات حاکمه



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول - شماره ۱۵ - دوشنبه ۱۹ خرداد - نا صمیمه ۳۰ ریال

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند. کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند. کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

مجاهدین خلق و مسئله خلقها

عدم مداخلة خود در مبارزات خلقها دارد و اظهاراتی از این قبیل "سیاست ما اینست که حتی المقدور از دخالت عملی در مسأله میلیتاریسم و دعای مربوط خودداری کرده و با ورود خود در این صحنه باعث پیچیده تر شدن مسأله نشویم و بدینجهت هم هست که بقیه در صفحه ۱۲

میخواهند بلکه شرکت خود را نیز در حل مسأله امت میز مسأله بوسیله هیئت حاکمه منوط به توافق آن رهبرانی میمانند که بیانیها و منطقهای پر عملراقتان شرایط را برآوردی تهاجمات گسترده و قتل عام خلقها بویژه خلق کرد فراموش کرده اند. تاکیدات مدامی که این سازمان به

برخوردها مجاهدین خلق با مسأله خلقها علی رغم پذیرش نظری حقوق خود مختاری آنان، در عمل از حدود چند نامیه حضرات آیت الله و چند تبلیغاتی نامها و اظهارنگرانی تجاوز ننموده است. مجاهدین از جنگ افره و زان خلق کرده تنها حقوق این خلق قهرمان را ملتسانه مطالبه

مطلبه سرمقاله و مقالات دیگر "رزمندگان" شماره ۱۳، وضع احتمالی را که در آینده ممکن است بسروز نشاید با توضیح عوامل متعدده دخیل در آن تا حد امکان بررسی کردیم. تا گرایش راستی را که بنا پیش کشیدن ما مثل آینده مبارزه طبقاتی و انقلاب و در برابر برقرار دادن آنها به مثابه مسأله امروز موجود بطور فرصت طلبانه به ارائه تاکتیکی ایپورتونیستی میپردازد. در جنبش نشان دهم. اما مسأله ای که وجود دارد نیست و در برابر دیدگان هر کس هر روز بیشتر تجلی مییابد چه هستند؟

راه کارگر: دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی!

برخوردها کنیم و در جهت انهدام و نابودی سیاسی هر دو عمل نمائیم. همچنین توضیح دادیم که در صورت شکاف افتادن در صفوف ضد انقلاب در شرایط معین ما جهت تاکتیکی را از لحاظ عملی و تحت شرایط معین بطور اصولی میتوانیم در مقابل دو جناح ضد انقلاب در پیش بگیریم. و دیدیم بقیه در صفحه ۳

اتفاقا همینجاست که "تاکتیک (افشاء - مقاومت) خود را بیطرفانه برجسته ای نمایان میکند. در اینجا است که محل تکانه بهتر نمایان میگردد و حقیقت امر ظاهر میشود. با سروری این نکته مکتب میکنیم، قبلا توضیح دادیم که در شرایط کنونی و با توجه به موقعیت ضد انقلاب در بلوک سیاسی حاکم، ما باید مطابق قوانین عمومی مبارزه طبقاتی با هر دو قاطعانه

"راه کارگر" با خود میگوید: "چرا الجوانه برزوی این مسئله با فشاری میکنند؟ چرا به این موضوع که راه کارگر شوراها را در برابر امیر یا لیسیم محل شکل زحمتکشان میدانند و تنها راه مبارزه ضد امیر یا لیستی را در سازمان دادند و متشکل کردن زحمتکشان کشور در این شوراها میداند، برخوردار نمیکنند؟ تاکتیک اصلی راه کارگر این است!"

همانطور که در مقالات رزمندگان بارها اشاره کردیم جنبش انقلابی و توده ها روبه پیش و اعلا است و هیات حاکمه در ورود رویی با آن ناتوان و درمانده میگردد. در زمستان گذشته ما شاهد گشتن روز افزون جنبش طبقه کارگر بودیم (گروگانگیری در کارخانه هسنا، اعتصابات، تحصن ها، جنبش کارگران بیکار) این مبارزات در سال جاری مقدماً با آغاز سال گذشته داشته اند. و علی الخصوص هیات حاکمه و ریزیونیستها کوشش بسیار کرده اند تا با طرح تجاوز امپریالیسم به ایران این جنبش را ناگذارند تا دوباره پس از یک تجدید قوا راه خود را بسمت تکامل باز کند. با این وجود جنبش طبقه کارگر از نو، با اعتصابات کوتاه و بلند (اعتصابات چند ساعته گرفته تا بقیه در صفحه ۲

نگاهی به 'بیانیه وحدت' (۲)

توضیح

نوشته نشده و ما این اشتباه را با تغییر دادن تیتراژ مقاله، در قسمت دوم، جبران میکنیم. با امید اینکه مبارزات ایدئولوژیک، در مجرای صحیح خود جریان یابد! بقیه در صفحه ۶

رفیقانه تعبیر گشت. ما ضمن پوش از رفقای "وحدت انقلابی" و تاکید بر اهمیت وحدت و مثبت دانستن وحدت این رفقا (همانطور که قبلاً نیز گفته ایم)، اضافه میکنیم که این تیتراژ نظر همرفقای هیئت تحریریه

در شماره ۱۲ "رزمندگان" مقاله برخوردار به "بیانیه وحدت" رفقای "وحدت انقلابی" با یک تیتراژ مناسبت به چاپ رسیده بود که موجب "سوء تفاهات" شده و به برخوردی غیر

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

چندروزه (وبا اعتراضات، با عکس العمل کارگران ناغل در مقابل تورم خانمان برانداز (اثره اتوم) مان اضافه حقوق کارگران را در بال جاری، تورم فزاینده سرعت از زمین برده است) بیکاری، ادا ماهه اخراج کارگران مبارز و مقاومت کارگران و... . جان گرفته و به پیش میبرد. محملین، دیپلمه های بیکار و کارگران بیکاری که از مدتی قبل بوا - سته فقر و تنگدستی به کار دستفروشی و راه انداختن دکه در خیابانهای اصلی شهرها مشغول شده اند، اینک با تصمیم دولت مبنی بر بستن دکه ها و خارج کردن آنها از مناطق اطلسی شهرها به نواحی فرعی روبرو شده اند در کرج صاحبان دکه ها و دستفروشیها ضمن اعتراض به این تصمیم دولت، شعار ما کار میخواهیم و مرگ بر سر ما یه دارا سرداده اند. و در تهران دولت علیرغم تصمیمی که گرفته بود نتوانست به مقابله آشکار با دکه ها برود اما تحت فشار توزیع کنندگان متوسط و خرده بورژوازی توزیع کننده (که خود زیر بار تورم بنا را ضایعی و اعتراض توده ها روبرو بیند) دولت خود را مجبور می بیند که این مسئله را بنحوی، و پوزبان دکه ها و دستفروشی ها که همان بیکاران پنهان طبقه کارگرند، حل نماید. این جنبش بیکاران است که بصورت جدی خود را بروز میدهد.

مبارزات خلقها، نیز علی رغم تمرکز شدید قوا، سرکوب ها و کشتارهای نظامی بی پایان، بهر شکل ممکنه ادا می یافته است. چه شورا های خلق ترکمن، چه جنبش مسلحانه خلق کرده رودیه پیش میروند. در کردستان، با وجود سازش و کنار کشیدن (س.ج) و حزب دمکرات از مبارزه فعال توده ها، زحمتکشان کردستان به مقاومت مسلحانه و جنگ پارتیزانی طویل المدت روی آورده اند. جنبش انقلابی سازشکاران را به سرعت به کنار میزند و به پیش میروند. و در اشکال پیچیده تری خود را به نمایش میگذارد. هیات حاکمه نتوانست (و نمیتواند) در کردستان حتی به ساده ترین موفقیتها دست بیابد. آنها همه سلاحهای خود را بر روی خلق قهرمان کرده اند. و کشته کرده اند. و حشانه ترین کشتار و ترور و محاصره و سرکوب را بر علیه آنان بکار بردند و سرانجام از حالت محاصره کننده، به حالت محاصره

شده در میمان خلق کرد و مبارزان حقیقی اش در آمدند. آنها در میان دریایی از کینه و نفرت و پس از تلفات سنگین وارد شهرها میشوند. در حالیکه نیروهای انقلابی برای محاصره نیروهای دولتی از شهرها خارج میشوند. و در اقیانوس دهقانان و در میسان دره ها و قله های کوهها سنگرمیگیرند اینست واقعیت کردستان انقلابی هیات حاکمه ادا مننه فشار و اختناق را با سرعت بالا برده است. حتی چاپ کنندگان ساده آثاریستین و نوشته های انقلابی را به ادا دگاها جلب میکنند و با زداشت میمانا بنسند. نشریات انقلابی را ممنوع اعلام کرده اند. چا پخانه ها را یکی پس از دیگری توقیف کرده اند. اعلام شده است که حتی فروشندگان خردسال نشریات انقلابی از این پس دستگیر و محاکمه خواهند شد. دادگاههای فرمایشی برای انقلابی بیون، اعدا میا، ترورها و... ادا ما دارد اما در عوض جنبش انقلابی، نیروهای کمونیست سرخستانه، نه تنها نشریات خود را چاپ میکنند، بلکه ایده های انقلابی خود را بهر صورت که ممکن باشد دوبه اشکال نوین به میان توده ها میبرند. مبارزه در همه جبهه ها، در همه زمینه ها ادا ما دارد. این است تصمیم خلل ناپذیر توده ها. این است تصمیم خلل ناپذیر کمونیستها. درنا بود کردن سیستم سرمایه داری و وابسته با مپرالیسم!

هیات حاکمه خود را در برابر این امواج پرتلاطم، در برابر بحران عمیق و همه جانبه، در وضعیتی می بیند که ناگزیر هر روز به وسیله ای متشبث میشود تا راه فرار خویش را باز کند. آنها آشکارا در برابر جنبش انقلابی ناتوان شده اند. جنبساج خرده بورژوازی حاکم که از آغاز سال ۵۹ "سال امنیت"، انبساط دسیسه ها و توطئه ها را، به همراه جناح دیگر، علیه نیروهای انقلابی، حتی در شرایط تخاصم و موضعی امپریالیسم آمریکا، به اجرا در آورده، اینک در برابر سبیل جنبش انقلابی خود را آنگونه که با بدوشاید توانا نمی بیند. حقیقت آنست که علی رغم همه شایعات و اخبار رحتی زمینسده چینی هایی که برای ۱۵ خرداد شده بود تا به بهانه آنها تعرض علیه انقلابیون صورت پذیرد، و با بسک بیورش ضربه ای شدید (بزمع هیات حاکمه) به نیروهای انقلابی وارد آید آنها از جای این نقشه ناتوان

شدند و برای مدتی آنرا به تعویق افکندند، تا به شکلی دیگر، به مرحله عمل در آورند. آنچه در این "شعوب موثر بونه است علاوه بر شرایط حاد مبارزه طبقاتی جنگ "جهودکشی" است. یعنی جنگی که در واقع ضمن آنکه علیه انقلابیون است، در زیر پوشش مبارزه با انقلابیون یک جناح از یلبو ک سیاسی بخاطر تقویت موضع خود و تضعیف و کنار زدن رقیب، آنرا در پیش میگیرد. جنبساج بورژوازی لیبرال در حکومت مرتباً در تمام روزهای پیش از ۱۵ خرداد آنرا اعلام کرده بود. بنی مدرن روز ۱۳ خرداد هشدار میدهد که میخواهند یک حکومت دست راستی بر روی کار بیاورند. و منظور و حکو - متی برهبری حزب جمهوری اسلامی و کلاً خرده بورژوازی حاکم است. نا تو - انی در مقابل به جنبش توده ای و تضادهای موجود میان دو جناح ضد انقلاب حاکم، آنها را از اجرای کامل برنامه های ضد انقلابیشان ناتوان میکند. مگر آنجا که کلاً و بلافاصله بسود هر دو است. در غیر اینصورت اگر قرار باشد این جریانات موقعیست یکی علیه دیگری پیش از جد تقویت کند، آنگاه تضادهای درونی شروع به عمل شدید میکنند و ما در طی دو هفته اخیر شاهد به ترین دشمنیها و تضامات از ناحیه دو جناح نسبت بهم بوده ایم. بطوریکه سرانجام ابتکار عمل مراسم پانزده خرداد را شورای انقلاب بعهده گرفت.

اما تظاهرات ۱۵ خرداد برای هیات حاکمه و ملی الخصوص جناح خرده بورژوازی آن یک شکست محسوب میشود. آنها، با وجود اینکه قطعاً به مطلوب حزب جمهوری اسلامی را با فریادهای مردم به تصویب رسانند، اما در حقیقت جمعیت قلیلی را که در مقابل با تظاهراتها و فراخوانهای سال گذشته واقعا معدود بودند توانسته جمع کنند تنها بیش از ۲۰۰۰۰ نفر! یک شکست در به خیابان کشتان توده ها! و بسبب آنها حول قطعاً به حزب جمهوری اسلامی، آنها خواسته - اش را مبتنی بر تعطیل دانشگاهها تا پایان تخریب و انقلاب فرهنگی خلق سلاحها گروههای انقلابی... را به تاخیر کشیده تا آگاه را ندانند! اما نه ۴ میلیون نفر و نه حتی امیلیو نفر و نه حتی نیم میلیون نفر! تحریکات و اقدامات معینسی که همه اخبار، مدارک و شایعات بروز آنها را در این روزگواهی داد، تحقق نیافتند. زیرا ترس هیات حاکمه از اینکه هر اقدام حساب نشده، از جنبش انقلابی را با سرعت بیشتر بر علیه آنان فشرده کند، آنها را وادار به تعویق برنامه شان کرده است.

علاوه بر این هوجناح حکومت بر سر آن توافق کامل نداختند. بورژوازی لیبرال شدت تا کنون از اینکه این مسئله به وسیله ای جهت تضعیف خود و تبدیل شود هراس داشته و از آن ممانعت میکند. اما هیات حاکمه با این وجود، با همه تضادهایش، با دو جناح خرده بورژوازی و بورژوازی اش همچنان سیاست کشتار و سرکوب و ترور را به پیش میبرد! ۱۵ خرداد برای آنها تنها روزی بود که میبایست ادا مننه این کار را گسترش میدادند! بحث بر سر ما - هیات عمل نیست! بحث بر سر شکست، زمان و ادا مننه آنست!

روشن است که در شرایط موجود، با توجه به جنبش انقلابی و وضعیت آن با توجه به وضعیت سیاسی عمومی و مبارزه طبقاتی جاری، و اینکه طبقه کارگر و توده های مردم ما، مبارزه خود را به شکل نوین و قدیم، آشکارا و مخفی، ساده و پیچیده ادا می دهند، این اشکال را باید کشف نمود، و بسا شرکت فعال در آنها جنبش انقلابی را به پیش برد، هیات حاکمه علی رغم تضادهایش، علی رغم اختلافاتش که در مورد نحوه سرکوب خلق انقلابی دارد، و... از جنبش انقلابی هراسناک است. و در برابر آن همه انواع کشتارها توطیه ها و دسیسه ها دست زده است و میزند. آنها توده ها را وسیعاً میفریبند تا یا به خود را حفظ کنند و مبارزه طبقاتی را کاهش دهند و جنبش انقلابی را تضعیف نمایند. آنها حتی بخشی از نیروهای انقلابی را با زنگارهای خود چا را پورتونیم کرده اند. و به آنجا کشانده اند که در شرایط کنونی نسبت به ما هیات حاکمه در ابهام فروروند. علیه این ارتداد نسبت به ما هیات حاکمه باید مبارزه نمود و باید تا به مبارزه طبقاتی جاری و بسا روح انقلابی م. ل طبقه کارگر را سازمان داد، و ورزیده نمود و برای مبارزات دوران ساز آموزش داد. کمونیستها موظفند اوضاع موجود را تحلیل کنند. و بر اساس آن حرکت نمایند. هرگونه الگوسازی، با هرگونه کلی باقی درباره ما هیات حاکمه ما را جز در ابهام نسبت به آن فرود نخواهد برد. کارگران و زحمتکشان را با آگاهی به مبارزه طبقاتی در شرایط مشخص خطوط این مبارزه را برای آنها ترسیم کنیم: اینست آنچه که ما رکیسم لنینیسم به ما می آموزد! بیگانه را در حقیقت مبارزه انقلابی تا به آخر!

بقیه از صفحه ۱.

که عملاً در این شرایط به دو تاکتیک متفاوت میتوان رسید که یکی متعلق به راه کارگراست: "افشاء - مقاومت" و دیگری متعلق به شیوه اصولی مارکسیستی است: "تابودی - افشاء مقاومت".

راه کارگرداراد ما راه است - کتیک خود میگوید:

"تنها راه مبارزه با امپریالیسم سازمان دادن و متشکل کردن کارگر - ان و زحمتکشان کشور است. نطفه های این شکل هم اکنون وجود دارد. باید آنها را گسترش و عمق و تکامل داد و

کارگران و دهقانان "بودند، لینن آنها را مرکز قدرت پرولتاریا میداد - ندوچنین نیز بود. زیرا که این شور - اها مسلح نیز بودند در برابر قدرت بورژوازی قرار داشتند. آنها نه فقط کنترل تولید و کم مدیریت سرمایه را در دستور کار خود قرار داده بودند، بلکه تجلی قدرت طبقه کارگرو توده های زحمتکش بودند. و آنها قدرتی، در درون قدرت دوگانه نبودند، یعنی یک طرف ایمن قدرت، یعنی قدرت کارگران و دهقانان در برابر قدرت بورژوازی محسوس

راه کارگر برعکس درک روشن م. ل. در این مورد، اظهار میدارد: "شورا گذشته از هر چیز یک تفاوت اساسی با سندیکا دارد. اگر سندیکا در چهار رچوب مناسبات سرمایه داری بر سر قیمت نیروی کار چانه میزند، شورا در جهت شکستن این چهار رچوب و جایگزین کردن نظم نوین بجای نظم کهن در تولید و روابط موجود در کارخانه حرکت میکند. شورا به اساسی ترین حق سرمایه دار یعنی مالکیت خصوصی تعرض میکند. راه کارگر ۲۱ - تاکید زماست.

تشکل پرولتاریا حول تولید، و بسا حول محور بدست گرفته کنترل تولید در موسسات توسط کارگران جر - بیان دارد. این همان پروژه ایست که بعد از قیام آغاز شده و هنوز ادامه دارد و تا وقتی که این شرایط چه در جهت انقلاب و چه در جهت ضد انقلاب تغییر نکرده باشد، به حرکت خود ادامه میدهد. پس بردن شعار کنترل تولید و جنبه های دیگر آن به درون مبارزات کارگران اولین وظیفه جنبش کمونیستی در قبال طبقه کارگراست. ما بعد از راه ضرورت طرح این شعار و تمام جوانب و پیچیدگی های

راه کارگر: دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی؟

به دیواری در برابر تهدیدات آمریکا میدل ساخت شوراهای کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان، شوراهای پرسنل انقلابی نیروهای مسلح شوراهای دانشکاهها و مدارس، تنها شکل توده ای انقلابی مردم مادر شرایط کنونی هستند نمیتوانند تکلیف ملی یابند. با تمام نیروی بد در جهت تقویت این شکل های انقلابی که بازمانده روزهای قیام

برشکوه خلقمان هستند، تلاش کرد. از این طریق میهنمان را میتوانیم در برابر دشمن امپریالیست - ستر تسلیم نپذیریم تبدیل کنیم"

راه کارگر - شماره ۲۲، ص ۶

این شکل های "توده ای و انقلابی" بازمانده "از روزهای قیام" موضوع مجادلات یکسال پیش جنبش کمونیستی ایران بوده اند. نتایج آن مشاجرات، این بود که شوراهای کارخانه و... ارگانهای قیام توده ای محسوب نمیشوند. شوراهای ما "شکل هایی" هستند که در چهار رچوب نظام فعلی حداکثر به مثابه - سندیکیای پیشرفته عمل میکنند که در چهار چوب حاکمیت سرمایه مرکنترل تولید را - آنها هم در بعضی از شوراهای کارخانه ها - درست دارند. اما بر خوردی که راه کارگر به این شوراهای میکند انسان را بیادشوراهای کارگری در روسیه میاندازد. شوراهایی که پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ به مثابه ارگانهای قیام توده ای تشکیل شدند و عملاً ستونی از "دیکتاتوری

میشوند. آنها شوراهای بازمانده ۶ روزه تکامل قیام در فوریه بودند. ارگان شکل توده ای و انقلابی بودند.

اما شوراهای کارگری ما، و شوراهای دیگر زحمتکشان از چنین مشخصاتی برخوردار نیستند. و هر جا که از چنین قدرتی برخوردار بودند، مثلاً شوراهای دهقانی ترکمن صحرا حکومت با توپ و تانک به سراغ آنها سارفته. وقتی راه کارگر به ادگی این شوراها را انقلابی خطاب میکند، و آنها را اتحاد رگیان سیاسی ارتقاء میدهد، دچار این انحراف میگردد که شکل اقتصادی انحراف سیاسی تلقی کرده و "همان مبارزه اقتصادی را" سیاسی و لاجرم آنرا شکننده چهار رچوب نظام سرمایه داری میدانند. (ر. ج. ضمیمه راه کارگر - شماره ۲۱)

همان نقشی را که شوراهای موجود در کارخانه ها و ادارات و سایر موسسات در ایران بعد از قیام ایفا میکردند، تردیونیونها یا انگلیسی در رابطه با موسسات صنعتی بعد از دارند و همچون شوراهای کارخانه ها ایران بر امور تولید کنترل دارند. اما هیچ م. ل. می بدهنش خطور نمیکند، که شورا ی کنترل یا کمیسیون کنترل، یا کارگر دکنترل موسسه سرمایه داری را بتوسط کارگران و کارکنان امری درجهت شکستن چهار رچوب سرمایه داری تلقی کند. (۱)

ممکن است، خواننده بگوید اشکالی ندارد، و البته که شوراهای کارگری در جهت شکستن چهار رچوب سرمایه داری و نظم آن حرکت میکنند بلکه شوراهای کارگری که در روسیه در ۱۹۰۵ و در ۱۹۱۷ وجود آمدند، و لینن و بلشویکیها تجربیات آنها را جمع بندی نمودند، البته در جهت شکستن چهار رچوب و نظم سرمایه حرکت میکردند. اما شوراهای موجود ایران نه! شوراهای روسیه چنانکه گفتیم ارگانهای قیام بوده، و مضمون عمدتاً سیاسی و اداره امور مستقل از نظم موجود داشتند. در حالیکه شوراهای کارخانجات و ادارات ایران بهیچوجه مضمون عمدتاً سیاسی و اداره امور را بطور مستقل از نظم موجود نداشتند - منتهای برخی از شوراهای ترکمن صحرا و کردستان - وقتی در پیشرفته ترین حالات که اداره موسسه را خوا بعد می گرفتند، باز از چهار رچوب مقررات و نظم موجود خارج نمیشدند باز خواننده ممکن است بگوید که منظور راه کارگر شوراهای موجود نبوده است. البته ما هم منتظر داشتیم و خوشحال میشدیم که منظور راه کارگر از "شکل های توده ای انقلابی" بازمانده قیام "که" در جهت شکستن چهار رچوب مناسبات سرمایه داری "شوراهای موجود دنیا - شند اما چه میشود که علیرغم تاسف ما و نارا حتی خواننده "راه کارگر" چنین گفته است:

"بدین ترتیب در شرایط فعلی

آن بحث خواهیم کرد ولی مقدمتاً تاکید میکنیم که ما جوهر وجهت مبارزه کارگران را بعد از قیام حول این مسئله بنیادی ارزیابی میکنیم "راه کارگر ۲۱، تاکید دوم و سوم ازماست.

و، که چه مهملائی بنا م آموزش م. ل. و چه رهنمودهای انحرافی و خطرناکی تحویل جنبش م. ل. و طبقه کارگر میشود. این مارتینف و کور - بیچسکی هستند که قلم میزنند یا "راه کارگر"؟ این نادر دین است که اولین وظیفه جنبش کمونیستی در قبال طبقه کارگر "بردن شعار کنترل تولید" بمیان آنها میداند، یا راه کارگر؟ "راه کارگر" اولین وظیفه جنبش کمونیستی را در قبال طبقه کارگر بدین خاطر آنچنان ارز - یایی میکنند که "جوهر وجهت مبارزه کارگران را بعد از قیام حول مسئله شوراها" میدانند. البته شکی نیست که مبارزه کارگران بخاطر شوراهای نقش برجسته ای در مبارزات کارگر - ان بعد از قیام داشته است" و البته با ید در فکر گسترش و تعمیق آنها بود. اما اینکه "جوهر وجهت" مبارزه کارگران در ما است، دو مسئله بسیار مهم میباشد یکی از آنها مبنای حرکت اکونومیستها و از جمله مار - تینف بود، و میباشد، و دیگری مبنای حرکت لینن و م. ل. ها. "جوهر وجهت"



راه کارگر...

مبارزه کارگران بعد از قیام " البته حول مسئله شوراها بوده است اما از نظر کمونیستها " جوهر وجهت" مبارزه کارگران بطور حقیقی و در درجه اول باید تلاش در راه تشکل و بسیج سیاسی باشد. مگر آنکه بگوئیم مبارزه کارگران باید عمدتاً اقتصادی باشد!.. و البته مبارزه در راه گسترش و تعمیق شوراها یکی از راه های دنبال کردن مبارزه حقیقی کارگران در این مرحله است. اولین وظیفه جنبش کمونیستی در قیام طیفه کارگرا ایجا د حزب کمونیست میباشد. نه بردن شعار شوراها میان آنها. بخصوص که شعار شوراها دیگر امر پیش پا افتاده کارگران است کارگران نه تنها شورا های کنترل تولید را در بسیاری کارخانه ها برپا کرده اند، بلکه حتی چند قدمی جلوتر از آنچه " راه کارگر " مینماید رفته اند و شورا های مدیریت را در بعضی کارخانه ها دایر کرده اند. شاید از نظر " راه کارگر " آنها چپ روی کرده اند! البته تلاش در راه گسترش و تعمیق شورا های کارخانه و ایضا موسسات دیگری از وظایف مهم البته تلاش در راه گسترش و تعمیق شورا های کارخانه ها و ایضا موسسات دیگری از وظایف مهم کمونیستهاست، اما باید توجه داشت که اولین وظیفه جنبش کمونیستی آنها در قیام طیفه کارگر، توجه به بردن شعار شورا های کنترل تولید نیست. این، هیچ نیست جز دنباله روی از مبارزه خود بخودی توده ها و تشویریه کردن همان مبارزه خود بخودی آنها. این هیچ نیست جز محدود کردن کارگران به مبارزه اقتصادی. وقتی راه کارگر در قیام طبقات حاکم و حاکمیت ضد انقلابی آنچنان برخورد میکند، که به یکباره در برابر بوی هجوم امپریالیستها سپرمیاندازد، و رود رویی انقلاب و ضد انقلاب را فراموش میکند. و خود پرولتاریا را در موضع مبارزه قاطع بر علیه امپریالیسم و حاکمیت ضد انقلابی آماده و مستحکم نمیسازد، طبیعی است که هرگز بفرود رویی

سیاسی کارگران با هیات حاکمه ضد انقلابی نباشد، و در عوض مبارزه اقتصادی پیشرفته را به طبقه کارگر تجویز نماید، و حداکثر مبارزه سیاسی و از جمله وظیفه میرم ایجا د حزب کمونیست را مختص کمونیستها بداند، نه طبقه کارگر! اما از همه مهمتر عدم توجه به رهبری این تشکل های " توده ای و انقلابی " است. این تشکل ها عمدتاً رهبری انقلابی ندارد. شما میخواهید آنها را تعمیق و توسعه دهید؟ بسیار خوب! باید با حکومت و با نیروهای ارتجاعی بطور کلی در بیفتید. تعمیق و توسعه برخلاف مبهم گویی راه کارگر مفهوم روشنی دارد و آن عبارتست از زیر نظر و به رهبری انقلابیون در عمل درآوردن! این کار به معنی درگیری واقعی با حکومت و با نیروهای ارتجاعی است. مگر آنکه راه کارگر منظورش از توسعه و تعمیق، قبول وضع موجود به مثابه به مثابه شورا های " انقلابی " باشد. شورا هایی ملو از مرتجعین و سه جهایی ها و حزب جمهوری اسلامی و... بایا این شوراها را در مبارزه به شورا های واقعی که ابتکار عمل را بدست بگیرند و خود بخود از حالت شورا های مشورتی کنونی خارج شو. ند و مستقیماً جنبه طبقاتی بخود بگیرند، تبدیل کرد.

حکومتی که کارگرا اعتمادی و متحمن را به گلوله میندند، کسه دهقان انقلابی را مورد هجوم قرار میدهد، و شورای انقلابی زحمتکش کرد و ترکمن را از بین میبرد. که بر علیه شورا های دانشجویی " انقلاب فرهنگی " برآه میاندازد. بهمین سادگی و با تاکتیک (افشاء - مقاو - مت) تن به جنبش توسعه و تعمیقی نخواهد داد. شماراهی جز درگیری با آنان ندارید! مگر آنکه!

مگر آنکه راه کارگر همین شورا های فعلی را تجلی حقیقی تشکل توده ای و انقلابی بحساب آورد، که بحساب مبارزه و اهداف کنونی این تشکل ها راهمان مبارزه ضد امپریالیستی (در جهت آن و یا غیره) تلقی کند، و جنبش تلقی میکند. و سر

انجام مگر آنکه شورا های کارگری دهقانی انقلابی را خارج از متن مبارزه بر علیه بورژوازی و زمینداران ببیند که چنین نیز هست راه کارگر در در همین رابطه مینویسد:

" شورا های کارخانه باید به مردم نشان دهند که راه واقعی قطع وابستگی و مبارزه ضد امپریالیستی همین مبارزه - یعنی " مبارزه برای کنترل تولید " رزمندگان است و یا اینکه با حروف درشت مینویسد: و در واقع شاعر می دهد: " تنها با کنترل تولید از طریق شورا های واقعی کارخانه است که میتوان با وابستگی و محاصره اقتصادی جنگید " راه کارگر این عبارات تمام ادعاهای گذشته " راه کارگر " مبنی بر جدا نمودن وابستگی از سرمایه داری و سیاست از اقتصاد را پوچ و تهی میسازد. و هر خواننده ای را که کمترین اطلاع از نوشتجات " راه کارگر " داشته باشد. عبرت زده خواهد کرد. حال آنکه بنظر ما جای حیرت ندارد و بلکه " راه کارگر " کهنه نظراتش را تدریجاً عیان میکند.

آنچه که راه کارگر شوراها را بداند، ان متصف میکند متنی بریدید اکونومیستی و تسلیم به جریان خود بخودی است. به جای اینکه موضوع رعب و کوشش کمونیستها در قیام قرار گرفتن بر اساس جنبش و ارتقاء مبارزات کارگری به حد برنامہ پرولتاریا یا بی در شرایط کنونی طرح گردد، به جای آنکه بر نقش کمونیستها و رهبری آنها در این مبارزه تاکید شود، تنها به تاکتیک " تقویت، تعمیق و گسترش " شوراها در ارتباط با جنبش کارگری و کلا جنبش توده ای اکتفا میگردد چرا؟ زیرا هدف همچنان تحولات درون سیستمی، تحولات مربوط به دفاع از میهن است. پرولتاریا در این شوراها و تشکل ها نه بر ضد طبقه ای در داخل ایران بلکه بطور برجسته ای بر ضد امپریالیسم سازمان داده میشود. و اقدامات ضد انقلاب تنها برای وی افشاء میگردد و یا مقاومتی در برابر ضد انقلاب از ناحیه او بر میزد. چرا؟ زیرا موضوع مبارزه ضد امپریالیستی

چهار جوب مبارزه طبقاتی را در تئوری راه کارگر و در " کجا ایستاده ایم " درهم شکسته است و روحیه تمام خلقی خفه کننده ای را بر نویسنده عالیقدر مقاله مستولی کرده است. این تاکتیک، جلوه دیگری از همان تاکتیک اصلی " مقاومت - افشاء " است. میبینیم که تاکتیک " افشاء - مقاومت " چگونه مبارزه طبقاتی را بفراموشی سپرده و چگونه حتی در سازمان ندهی طبقه کارگر خود را نشان داده است.

ه- آخرین سخن

آنچه که گفتیم ما را را سخ تبر میکند که در شرایط پیچیده کنونی جدا دوتا تاکتیک جدا گانه به منصفه ظهور رسیده و میرسد. یک تاکتیک توده ها را بر علیه سیستم موجود و امپریالیسم متجاوز هدایت میکند. تاکتیک دیگر منشور ضد امپریالیستی را میبیند و تنها بر علیه امپریالیسم اعلام جنگ میکند. یک تاکتیک مبارزه ضد امپریالیستی را نیز طبقاتی میبیند، تاکتیک دیگر مبارزه طبقاتی را تحت الشعاع آن قرار میدهد. تاکتیک اول (نا - بودی - مقاومت - افشاء) بر اساس ضد انقلاب معین که آنرا نشان میدهد، میباش. تاکتیک دوم (مقاومت - افشاء) بر اساس نوع ضد انقلاب بدون نشان دادن آن است.

بدین ترتیب تاکتیک دوم که تعلق به راه کارگر دارد، دفاع از میهن را بشکلی پوشیده و نویسن تشویریه میکند. ما نیز از " میهن " خود دفاع خواهیم کرد: اما نه به مثابه کل اهالی میهن در برابر امپریالیسم متجاوز، بلکه به مثابه ملت بدون بورژوازی که متحد امپریالیسم است و با خط بندسی و استقلال نسبت به جناح های ضد انقلاب!

ما نیز از میهن خود دفاع خواهیم کرد. اما نه با " شورا های توده ای و انقلابی فعلی " که از قیام بازمانده اند، بلکه با شورا های انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان در





راه کارگر...

مقابل امپریالیسم و متحدین داخلی اش! مانده تنها برای قطع نفوذ امپریالیسم و از بین بردن سرمایه انحصاری وابسته بلکه برای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و قطع کامل نفوذ امپریالیسم در ایران مبارزه میکنیم! اینست برنامه پرولتاریا برای دفاع از زمین بهنگام تجاوز امپریالیست ها!

اینکه ما چگونه اینکار را عملی خواهیم کرد البته مسئله جداگانه ای است و تابع شرایط خاص خودتیز میباشود ما تا حد امکان آنرا توضیح دادیم! اما عزم راسخ ما را در آنرا که چنین استراتژی ای، در مقابل استراتژی اثناعشریافته بورژوازی ده بورژوازی "دفاع از میهن" هیچ چیز نمیتواند دچار خلل کند. زیرا ما برای پیروزی حقیقی، برای نابودی سیستم موجود میجنگیم! و این جنگی است که توده ها خواهان آن هستند! در هیچ جای دنیا کسوس نیست حتی در شرایط تجاوز مستقیم امپریالیست ها! امپریالیست ها خود را فراموش نکرده اند. اتحاد - های تاکتیکی، استراتژی آنها را دچار دگرگونی نکرد. بلکه آنرا یک گام به پیش راند! آیا لازم است مسائل مثال های بیتنام - چین - ... را تکرار کنیم. آیا مبارزه خلق چین بر علیه امپریالیسم همراه نابودی جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره نبود؟ آیا ...

جایی که راه کارگر ایستاده است چندان جای محکمی نیست، از لحاظ مارکسیستی و مبارزه طبقاتی واقعا سست است.

همان جایی است که روزگاری انترناسیونال دوم بهمین صورت کم و بیش بر آن ایستاده بود. در آن موقع البته مسئله فرق داشت. در آنجا مسئله جنگ امپریالیستها با هم بود در اینجا جنگ میان امپریالیست ها و متحدین داخلی آنها و خلق خواهد بود. ضد انقلاب شکافته و دوباره میگردد. و جناحی از آن متحد امپریالیسم و جناحی از آن در

تفاضا امپریالیسم قرار میگیرد. خلق سیستم موجود امپریالیسم متجاوز را با هم باید نابود کند. در آنجا در انترناسیونالیست ها "بسیا فراموش کردن ما هیت طبقاتی جنگ "به دفاع از میهن و کنار گذاشتن انقلاب" کشیده شدند. در اینجا با گذاشتن مبارزه طبقاتی در پشت منور ضد امپریالیستی، با نهدن تو شعه حقیقی جنگ و دیالکتیک آن در ارتباط با کل جنبش انقلابی و هیات حاکمه ای که خود به دو جرم مدافع و مخالف امپریالیسم تجزیه میگردد دفاع از میهن، به طریقی نومطرح میگردد.

ما همچنان استراتژی انقلاب را استراتژی اصلی و مطمئن کمونیستی میدانیم. این استراتژی نشیب و فرازهای متفاوتی را طی خواهد کرد. اما علی رغم همه! اتحادها و همه تاکتیک ها جزئی و فرعی، استراتژی، نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و قطع کامل نفوذ امپریالیست ها است. انترناسیونال در توصیف وضعیت طبقاتی و مبارزه طبقاتی در واقع. مشابه ما میگوید:

"ما به عنوان افراد کمونیست باید از جنبشهایی آزاد بیدار شویم. بورژوازی در کشورهای مستعمراتی فقط در مواقعی که این جنبشها واقعا انقلابی هستند، زمانیکه نمایندگان آنها سوارها ما در آموزش و مشکل کردن دهقانان و توده وسیع استثنای رهنندگان با روحیه انقلابی نمیگردند، پشتیبانی کرده و خواهیم کرد و اگر این شرایط موجود نباشد، آنگاه کمونیستها باید علیه بورژوازی فرمیست که قهرمانان انترناسیونال دوم بدان تعلق دارند، در آن کشورها مبارزه نمایند". لنین جلد ۱ کلیات ص ۶۷ - ۶۶ تاکید از ما است.

ما به عنوان افراد کمونیست وظیفه داریم، توده ها را حول آن اساسی ترین مسائل، حصول آن جریانهای که راه را برای انقلاب ویرانی ای پایان بخشیدن به وضع موجود همواره میکند، بسیج نماییم. ما

وظیفه داریم شرایط مشخص را واقعا آنطور که هست بررسی کنیم. نه ما - شند! اپورتونیستها، این خائنین به انقلاب، تا اولین جرعه از تغییر شرایط در آینده پدیدار گردیده خود را بهایزیم. و فریاد بر آوریم! ایها الناس همه با هم! همه با هم حصول مبارزه با امپریالیسم متحد شویم! شرایط کنونی به ما حکم میکند، و این حکم را هر انسانی عاقلی که جس لامسه قوی داشته باشد درمی یابد، که نباید لحظه ای مبارزه ای توده ها را بر علیه هیات حاکمه ضد انقلابی تخفیف داد، بعکس تهدید انقلاب اینک از ناحیه همین هیات حاکمه میباشود. هرگاه امپریالیسم به ایران تجاوز نماید که ما مفعلا شرایط آنرا بررسی کردیم، آنگاه نیز ما هرگز امپریالیست کسب قدرت، امر انقلاب، امر مبارزه طبقاتی و رهبری پرولتاریا را بطور عملی فراموش نخواهیم نمود.

اینست آنچه یک کمونیست بسد آن میاندیشد. ما تاکتیک خود را در جهت تغییرات حاصله و وضع سیاسی آینده و در ضد انقلاب حاکم تغییر بدیم. اما همچنان استراتژی خود را محفوظ خواهیم داشت. اینست آموزش لنین! آنچه که وضعیت ما را تعیین خواهد کرد، آنچه که به ما نشان خواهد داد چه سمت و چگونه میرویم سرانجام و اساسا مبارزه طبقاتی میباشود، عوامل دیگر در تشدید، تخفیف و تغییر شکل آن تاثیر دارند، کسیکه نقش این عوامل را تا بدان حدی بالا ببرد که خود مسئله را تحت الشعاع قرار دهد، کسی است که عملا به بیماری عمومی همه اپورتونیستها، دچار گردیده است.

ع- پس از پایان!

اینک این نوشته تمام شده است و راه کارگر در طی دو هفته متوجه خطای سیاسی آشکار خود گردید و در مقاله حضور امپریالیسم در مبارزه طبقاتی "کوشش کرده است بطریق خود را از زیر بار آن برهاند.

آنها استدلال های فراوانی آورده اند تا نشان دهند همچنان مبارزه طبقاتی بر عملکرده طبقاتی حاکم است و مبارزه ضد امپریالیستی را نمیتوان از این قاعده مستثنی کرد. انتقادی که در حقیقت به "در کجا ایستاده ایم" وارد است. اما نویسنده سرانجام دوباره در همانند اسیر گردیده است. آنها کوشش میکنند بنحوی مطلوب این دو مسئله را با هم ترکیب کنند. آنها که در مفهوم طبقاتی حاکم سیاسی کنونی و رابطه دو جناح ضد انقلاب در بلوک سیاسی حاکم از سرحد ایها م توده نیز در گذشته اند، باز هم ماریج میان مواضع گوناگون حرکت میکنند: ما حقیقت آنگونه که "شاه لیر" میگوید همچون سگی است که به لانه اش خزیده است. ما آنرا با ضرب واقعیات بدر خواهیم آورد. مقاله میخواهد نشان دهد که اینگونه به مسئله مینگرد (در حقیقت انتقادی عجولانه، چه بسا مخفیانه به راه کارگر ۱۲۲ است) اما دوباره حکم خود را بزبان دیگر تکرار میکند.



توضیحات:

- ۱- لنین در این رابطه مینویسد: "اگر کمسیون کنترل امور مالی و تجاری و کارخانه در همه کارخانه ها تشکیل بشود همه در یک ارگان واحد متشکل شوند، قدرت کارگران در برابر کارفرمایان واقع امات خود سرانه و آژمندان آن باز هم بیشتر خواهد شد" لنین: درباره سندیکای طبقاتی.
- ۲- بلکه ارگان کنترل تولید قدرت کارگران را در برابر سرمایه داران افزایش میبخشد، نه اینکه چهار چوب مناسبات سرمایه داری را درهم بشکند.

نگاهی به بیانیه وحدت

قسمت آخر

توضیح :

در نقل قولی که از پاراکراف هدف اصلی آزادی و این نقل قول چهارم "بیانیه وحدت" آورده شده بخصوص برخورد به همان کلمات است. کلمات "محو یا یگا ههای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن" مقاله بلافاصله بعد از نقل قول، از قلم افتاده است. اما برخلاف ادعایی که رفقای "وحدت انقلابی" و سیاسی امپریالیسم "مسئورد" در برخورد به همین قسمت از جزوه ای که قبلا از سوی ک. ب. منتشر شده بود، از قلم اقتاده سهوا و در اثر عدم دقت در بازبینی عمدی بوده است عمدی نبوده است. بلکه در واقع

از دوگرایش فوق به نوبت قلم را بدست نقطه نظر مقابل داده تا رعایت اصول عقاید طرف دیگر به تشریح گرایش خود بپردازد در آخر همگی را راضی و خوشحال از برآورده شدن مقصود نموده است - در مجموع طرح خوبی نیست. بیانیه در توصیف اپورتونیسیم راست میآورد :

۱- هیات حاکمه را دارای خطی دوگانه میدانند و آنرا به جناحهای ارتجاعی و مترقی تقسیم میکنند.
 ۲- حمایت بخشهای وسیعی از مردم از هیات حاکمه را که ناشی از توهم و امید توهمها نسبت به هیات حاکمه میباشد دلیل وجود طبقات و اقشار خلقی در حکومت میکنند.
 (نقل قولها از پاراگراف ۲۱)

بیانیه توجه ندارد که این توصیف به نظر غالب بر بنیاد نیه نیز میسر میگردد. چرا که این نظریه محدود نمودن طبقات ضد انقلابی به اقشار فوقانی بورژوازی و بقایای فئودالیسم و با طرح عمده بودن دشمنی امپریالیسم آمریکا بخاطر دفاع از این اقشار و طبقات، و با تصویر عملگردهای حاکمه (یا جناحهای آن) بصورتی دوگانه که همبسته حفظ منافع آن ضد انقلاب و همبسته مبارزه با امپریالیسم آمریکا میسر - میخیزد، خود عملا برخوردی دوگانه به حکومت اختیار نموده است.

اگر بیانیه واقعا معتقد بود که هیات حاکمه از "جناحهای ارتجاعی و مترقی، تشکیل شده و کلا ارتجاعی است، و" طبقات و اقشار خلقی در حکومت "وجود ندارند، آنگاه هیات حاکمه ای که به زعم خود بیانیه "اساسا بورژوازی" است رانه تنها بخاطر دفاع از اقشار فوقانی بورژوازی و بقایای فئودالیسم بلکه بخاطر دفاع از منافع طبقات کسب بورژوازی ضد انقلابی قلمداد میکرد، اگر بیانیه واقعا در بطن خود، بر برخورد دوگانه به هیات حاکمه ندارد، بایستی بصراحت ذکر مینمود که دینا میک سرکوب کارگران و زحمتکشان بتوسط هیات حاکمه و خدمتگزاران آن به "بورژوازی بزرگ و وابسته" زمینداران و مالکان بزرگ "و" سازش و ترس "آن در برابر امپریالیسم، در کجاست. آیا در ماهیت

دو نقطه نظریه و یا بهتر بگوئیم دو متدلوزی مختلف در تجزیه و تحلیل از مبارزه طبقاتی، مسائل استراتژیک (نقش طبقات در جامعه و اهداف انقلاب) و لذا تعیین تاکتیک مرحله ای در آن یکسانی بصورت غالب و دیگری بصورت مغلوب با هم همزیستی میکنند. اما مسائلی که بجای تصریح نقاط اختلاف و اتفاق و نظر غالب و مغلوب کوشیده است که دو نقطه نظر متفاوت، دو متدلوزی متضاد را بنا بر ضرورت معمولی در قالب بیانات و عبارات واحد درآمیزد و ملغمه نا هنجاری را بوجود میآورد و در نتیجه بدترین نمونه برای وحدت اصولی در این شرایط مبارزه طبقاتی و مبارزه ایدئولوژیک منتج از آنرا ارائه میدهد. چگونه؟

در بیانیه کوشش شده است تا تاکتیک "صحیح" در پی برخورد با دو گرایش اپورتونیسیتی راست و چپ اتخاذ گردد. شرط موفقیت در چنین روشی اینست که اولاً اپورتونیسیم راست و چپ بدرستی تصدیق گردند و ثانیاً طراح مسئله خود نظری مجزئ از آنچه بنام اپورتونیسیم راست و چپ تصویر میکنند داشته باشد! اما بیانیه که گویی در برخورد به هر کدام

اینجا کردستان است!

من از زشلی آبولوی و کوبا
از ویستام!
اگر چه گاه استعمار وستم و مبارزه
است به ارت رسیده ام!
من یک ویستامی ام!
آه ای مرتجعین! ای دشمنان
خلق!
هرگز مرا نخواهد شناخت!
من شکستنا پذیرم! در زیر مبارزان
زمین میکارم!
وقتی زمین میکارم، سینه تورایسا
گلوله میتکانم!
من قانتوم متجاوز نیستم! من!
خمپاره انداز ارتش نیستم! من!
تا تک و توب نیستم!
من، بیشتر گام! با تفنگم بردوش!
وقلمی به برتری آزادی همه خلقها!
وقلمی به برتری کینه های بی پایان!
من بیشتر گام! و اینجا کردستان است!
کردستان ایران!

من گلوله ای را بر سینه دشمنان خلق
تلیک خواهم کرد!
بی پروا، بر کینه و بی لحظه ای تردید!
وسپنه دشمنان خلق را خواهم شکافت
همچنانکه زمین را برای آب دانی
از هم میتکانم!
اینجا کردستان است!
ومن شوهر یک زن
و پدر چند کودکم!
کودگانی که تنها بد چون پدر و مادرشان
زندگی را در زیر سر نیزه وستم،
در زیر استعمار و فخر!
در تشنگی و گرسنگی
ویای در زنجیر!
از سر بگذرانند!
اینجا کردستان است!
ومن!
یک بلوچم! یک ترکمنم! ای بسکه
عربم! یک فارسم!
یک آفریقایی ستم کشیده و آسیایی
در بندم!

اینجا کردستان است
سوزمین مبارزانهای هوایی جمهوری
اسلانی!
سوزمین قتل و عامهای قارنا و قلعتان
سوزمین تها و زها ساداران و ارتشیان
مزه و رگه زنان و کودکان بی سلاح
را نیز به گلوله مینهندند!
اینجا کردستان است!
سوزمین دهقانان و زحمتکشان!
سوزمین پیشمرگان خلق!
سوزمین، مرز و عه های شخم نغسورده
و تنه، آب و آزادی!
اینها کردستان است
ومن پیشمرگه ای زحمتکشان!
بر شاهانم تفنگم و او بپنک
بر دستنم غمگین، تا زمین مرده را،
مچون خلقم زنده کنم!
بر شاهانم تفنگم و او بپنک
آما ده! بخاک مالیدن بوزنه دشمنان
خلق!

بیانیه...

"اساساً بورژوازی" هیات حاکمه است. با درلجاعت و حماقت قرون وسطا بی آن؟ و بخصوص میبایست روشن میماخت که این "ماهیت اساساً بورژوازی" هیات حاکمه است که "ماهیت ضدانقلابی" آنرا موجب گشته و توضیح میدهد یا نه؟ و در این رابطه لازم به توضیح بود که آیا دینا میک عملکرد ضدانقلابی و سرکوب کارگران و زحمتکشان و حمایت از سرمایه - داران و زمینداران بزرگ بتوسط هیات حاکمه ناشی از همین "ماهیت اساساً بورژوازی" و پایگاه طبقاتی آنست یا عاملی دیگر؟ پاسخ دقیق و درست بدین سؤال پاشنه آشیل بیانیه است، و تمام ادعاهای ضدیت آنرا با اپورتونیسیم راست برپا میدهد، زیرا که اگر بیانیه "ماهیت اساساً بورژوازی" هیات حاکمه را بشکافد و روشن نماید که منظورش از این عبارت آنست که "هیات حاکمه اساساً بورژوازی متوسط تشکیل شده است" ثبوت دیگر نمیتوانست برای هیات حاکمه "ماهیت ضدانقلابی" بی "که متوجه پایگاه طبقاتی آن یعنی همان بورژوازی متوسط است، قائل گردد. بدین علت که "وحدت انقلابی" بورژوازی متوسط را در مجموع و بطور کلی ضدانقلابی ارزیابی نمینماید. قطعاً ناگزیر از برخورد دوگانگانه به هیات حاکمه میگردد. بیانیه در توضیف اپورتونیسیم راست ادا می دهد: "از آنجا که به سیاست اساساً بورژوازی هیات حاکمه که در حمایت از سرمایه داران و زمینداران بزرگ و سرکوب کارگران، دهقانان و زحمتکشان متجلی میشود توجه نمیکند از دو حال خارج نیست: یا هیات حاکمه از اقشار و طبقات دیگری غیر از "سرمایه داران و زمینداران بزرگ" نیز تشکیل شده است پس بنا به مفهومی طبقاتی نیروهای انقلاب تماماً ضدانقلابی نیست و بناچار نمایندگان این اقشار و طبقات، یا جناحهای سیاسی آنها نه ماهیتاً بلکه در آن هنگام که به دفاع از منافع اقشار فوقانی بورژوازی و بقایای فئودالیسم برمیخیزند ضدانقلابی هستند، و یا اینکه از اقشار و طبقات دیگری تشکیل نشده و آنچه از منشاء خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط در هیات حاکمه بنظر میرسد نه بتفیع طبقه خود، بلکه بتفیع موقعیت سیاسی خود، و در جهت منافع طبقات دیگری عمل میکنند پس با عبارت دیگری نمی "کاست" هستند. در این صورت هم معلوم نیست که چرا دشمن عمده که مدعی دشمنی آن بزعم بیانیه در رابطه با تثبیت حکومت همان اقشار فوقانی بورژوازی و بقایای فئودالیسم است در فکر سرنگونی جناحی از هیات حاکمه (کودتا) و یا تمامی آنست (اشغال نظامی)، بهر حال با نیه یک چیز را قبول ندارد آن اینکه ما با هیات حاکمه ای روبرو میباشیم که منافع طبقاتی طبقه بورژوازی را بطور کلی بمعده گرفته باشد و به همین خاطر یعنی بخاطر نجات نظام سرمایه داری و لاجرم تمام وابستگی ها و عقب ماندگی های آن ارتجاعی باشد و برزنامه امپریالیسم آمریکا هم تسهیل موقعیت در انجام این وظیفه ضد انقلابی و ایجاد شرایط بهتر در صفوف همین هیات حاکمه است و حرکت امپریالیسم نیز تنها از تحولات درونی هیات حاکمه و جامعه ما نشأت نگرفته و تابع تحولات بین المللی هم میباشد.

باز در ادامه" تشریح اپورتونیسیم راست میخوانیم:

"از آنجا که ماهیت ضدانقلابی آن (هیات حاکمه) را - که در حفظ، تحکیم و بازسازی دستگاه دولتی گذشته بویژه ارتش و اعمال سیاست ضد خلقی در برابر توده ها نمایان میگردد - از نظر دور میدارند، از آنجا که عقب نشینی های موضعی هیات حاکمه در مقابل مبارزات انقلابی توده ها را به حساب ماهیت "مترقی" آن میگذارند و از آنجا که فقدان کفایت تاریخی بورژوازی در مبارزه ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی را نادیده میگیرند، تحلیلها بی غیرا رکسیستی و عمدتاً رویزیونیستی بشمار میروند."

و ما میپرسیم که چرا برخورد به ماهیت ضدانقلابی هیات حاکمه در ایجا دو تحکیم دستگاه دولتی جدید، ارگانهای جدید خاص این هیات حاکمه (کمیته ها، سپاه پاسداران، دادگاهها با اصطلاح انقلاب، دستجات سیاه "حزب الهی") از قلم میافتد؟ و چرا نه تنها "فقدان کفایت تاریخی بورژوازی"، بلکه ماهیت و نقش ارتجاعی کنونی آن فراموش میشود؟ و چرا با حذف این جنبه های اساسی هیات حاکمه است

که اپورتونیسیم راست تعریف میگردد و در میان مارکسیسم از تحلیلهای غیر مارکسیستی و عمدتاً رویزیونیستی "مشخص میشود؟ چگونه میتوان بر سطح امروز مبارزات طبقاتی و استعداد تعمیق آن بر علیه نظام سرمایه داری وابسته و نقش هیات حاکمه در سرکوب این مبارزات چشم فرو بست و ادعا نمود که به هیات حاکمه برخورد دوگانه نمیشود، جناح مترقی در آن وجود ندارد و هیات حاکمه ضدانقلابی است! مگر آنکه ضدانقلابی خلعت هر قشر و طبقه ای باشد که صرفاً در قدرت سیاسی سهم است! و این چیزی جز آنراشیم و مرض چپ روی نیست!

میبینیم که بیانیه نه از اپورتونیسیم راست تعریف درستی ارائه میدهد و نه حتی خود از برخی از جنبه های تشریح شده در باب این گرایش مبری است! و بر این نام دیگری جز انحراف و التقاط نمیتوان گذارد. و اما وضع در مورد تشریح "طبقات تحلیلها و تاکتیکهایی که در پوشش و ظاهر چپ خود نمایی میکند" بمراتب بدتر است. این بار قلم در دست نقطه نظر غالب است که هم با بدغالب بودن نظر خود را ثابت کند، و هم با بدجواب مختصر دلخوری خود را از برخورد به "اپورتونیسیم راست" و البته اینبار هم با رعایت طرف مقابل جبران نماید!

ویژگی های تشریح "چپ نمایان":

- ۱- "کمپنها" دادن به مبارزه ضد امپریالیستی توده ها"
- ۲- "محدود کردن مبارزه به مبارزه علیه هیات حاکمه"
- ۳- "عمده کردن تضاد کار و سرمایه"
- ۴- "مبارزه یکجانبه برای آزادیهای دمکراتیک"
- ۵- "کمپها دادن به جنبش دهقانی"
- ۶- "ندیدن اپوزیسیون فوق ارتجاعی و بی توجهی به خطر بالقوه آن"
- ۷- "اهمیت ندادن به تفاوتهای بین هیات حاکمه با رژیم شاه و تفاوتهای درونی هیات حاکمه و عدم استفاده از این تضادها در جهت تعمیق مبارزات انقلابی کارگران، دهقانان، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده"
- ۸- "چشم پوشی از تغییر و تحولاتی که بر اثر مبارزات توده ها و بدنبال سرنگونی سلطنت پهلوی بوقوع پیوسته اند (تحولاتی که هر چند در مرحله انقلاب دمکراتیک ایران تغییری بوجود نیاورد است اما بعنوان واقعیت عینی پیش روی ما قرار دارد)"
- ۹- "مطلق کردن وجوه وحدت هیات حاکمه با امپریالیسم و ندیدن تضادها و اختلافات آنها در مقطع کنونی"

و بالاخره اینها هستند که: "خطوط اساسی این گرایش چپ روانه را تشکیل میدهد." (پاراگراف ۲۷)

بیا شید بیبینیم که این ویژگیهای خط انحرافی در "پوشش و ظاهر چپ" در قالب بیان کدام نقطه نظر میکنند؟ ویژگیها را به ترتیب ذکر شده در نظر میگیریم:

"مبارزه" با اصطلاح ضد امپریالیستی توده ها، مباحثه بی بیش نیست، با دید مبارزه را به هیات حاکمه محدود کرد، زیرا تضاد کار و سرمایه عمده است (!) بهمین خاطر فعلاً تاکتیک مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک عمده میگردد دهقانان در انقلاب نقش مهمی ندارند، خطرات جریانات وابسته به بختیار او را مثالهم و کودتای ارتش و توطئه های ساواک و امثالهم ناچیز است، و این هیات حاکمه در واقع همان رژیم شاه است و از تضادهای درونی آن نمیتوان برای تعمیق مبارزات توده ها استفاده نمود، تحول مهمی در جامعه در سالهای اخیر صورت نگرفته که بصورت واقعیتی عینی پیش روی ما باشد، هیات حاکمه با سیاست امپریالیسم در مورد ایران در انطباق است و میان آنها تضاد و اختلافی نیست."

هرکس که مدتی کوتاه در نقطه نظرهای متفاوت درون جنبش کمونیستی و حتی خارج از آن مطالعه مختصری کرده باشد، بزرودی متوجه میشود که ملغمه نظرات فوق به هیچ وجه یک گرایش واحد را تشکیل نمیدهد و کوشش برای ارائه این ویژگیها بعنوان خصوصیات یک "گرایش چپ"

بیانیه

روایت که لابد بطور جدی در محند مبارزات تشویریک بچشم نویسنندگان بیانیه آید... اسه خلط میحث است. در واقع نویسندگان بیانیه خواسته اند بر نقطه نظر غالب خودشان که همانا اپورتونیسیم راست است، به کمک، را تئیک باغ وحش از یکات مختلف سربوش بگذارند و در مقابل چنین نظرات "وحشتناک چپ روانه" و آن نظرات نامطلوب راست روانه "در واقع نظری النقطی و مطلوب! ارائه دهند.

مانظری را سراغ داریم که، ۱- بصراحت به مبارزه "ضدامپریا - لیستی" بوده ها تحت عنوان "هیا هو" نه تنها کمپها، میداد، بلکه اصلا بهایی نمیداد!

۲- نه تنها به "خطر بالقوه" اپوزیسیون فوق ارتجاعی "بی تو - جی" میگرد، بلکه حتی وقتیکه این خطر با فعل شد (مثلا برنامهای خلق مسلمان، بختیار، جناحی از ارتش و آقای شریعتمداری!) "مراحتا" آن را تجلی حقانیت گفتار انقلابیون معرفی نمود. ۳- با ادا مه همین ادعاها در مورد وقایع بندر لنگه و بلوچستان واقعا هم مبارزه را در هر زمان و هر شرایطی به مبارزه با هیات حاکمه "محدود" نمود. ۴- همین نظریه تنها اهمیتی به تفاهت و نهی این هیات حاکمه با رژیم شاه نمیداد بلکه این هیات حاکمه را "حکومت آخوندها" میدانست که عقب مانده تر از رژیم شاه بوده، در اندیشه، احیای روابط فئودالی هستند و "یکسی از سیاه ترین حکومتها اختناق سیاسی" را در جا مع ملط کرده اند و همچون رژیم شاه به سیاست "باج و شلاق" مشغولند. ۵- به این ترتیب نه تنها از "تغییر و تحولاتی که بر اثر مبارزات توده ها و بدنبال سرنگونی سلطنت پهلوی بوقوع پیوسته اند" چشم پوشی مینمود، بلکه آنرا گامی به عقب (حداقل در مورد قدرت سیاسی حاکم) میدانست. ۶- نه تنها "وجه وحدت هیات حاکمه با امپریالیسم" و ندیدن تضادها و اختلافات آنها در مقطع کنونی "را مطلق میگرد، بلکه حتی عمده، وقایعی که از زمان اشغال سفارت تا چندی پیش اتفاق می افتاد، برنامه طرح ریزی شده ای میدانست که ایادی هیات حاکمه در اجرای آن ابتکار عمل داشته اند از جمله دانشجویان بیروخوام که از همان ابتدا بعنوان شعبه های از حزب جمهوری اسلامی اقدام کردند! و بالاخره ۷- با چنین ارزیابی های مهم ترین مبارزه در مقابل این حکومت نشانه عقب افتاده آخوندی اختناق (ارها همان مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک میدانست و با این ترتیب عملا در همان صقی قرار میگرفت که جبهه ملی هم در آن قرار میگرفت و جبهه ملی را به عنوان "ظرفداریک حکومت بورژوا دمکراتیک" و ظرفدار "نظم ضروری برای جامعه قلمداد میکرد!" کجا هستند این اپورتونیستهای چپ با در واقع راست؟ ۸- کجا چنین گستاخانه و بیژگی از او بیژگی بر شمرده در دنیا علیه دربار از ترسین شکل وزننده ترین صورتی از خود بروز داده اند؟ با کمال تأسف و تعجب در هفتان "وحدت انقلابی" برای آزادی طبقه کارگر! و از پاپ به گذاران این تشکیلات و احد دوران گذار بسوی حزب طبقه کارگر! یکی از گروه این وحدت و یکی از فعالترین گروهها از پنج گروه اولیه ظرفدار تشکیلات دوران گذار بگردن مشهوراخذ!

بگذاریم این معمارا که چگونه عده ای بیانیه ای میدهند که هم در متن آن وهم در کار تشکیلاتی حول آن گفته های خود را نقض میکنند و با نظرات و تشکیلاتی که عکس نظر و عمل کرد همان نظرات دارند به وحدت میرسند را، خود رفقا توضیح دهند! ما به سخن خود ادا مه میدهیم: از ۹ ویژگی که در وصف "پوش و ظاهری" نامی "در بیانیه آمده است، ۷ ویژگی آن در یک خط واحد تجلی میکند که اتفاقا (!) از ما در کنگدگان بیانیه بوده است و این ویژگیها بطور جدی و صریح هم از جانب آن گروه مطرح شده است. اما همین نظر واقعا اپورتونیستی چپ با دو ویژگی کلا ملاحظه است: این نظریه تنها به "عمده بودن تضاد دکاروسرمایه اعتقادی نداشته است بلکه تضاد عمده را اکاملا برعکس میانگرایشات بورژوا دمکراتیک و اختناق و روبروئی فئودالی میدانسته، نه تنها به جنبش دهقانی اظهار کم بهایی نمیکرده، بلکه با قائل شدن فئودالیسم

پنوان یکی از تضادهای اساسی ظاهرا به جنبش دهقانی بر بهایی هم میداده است! واقعیت اینست که "عمده بودن تضاد دکاروسرمایه" و "کم بهایی به جنبش دهقانی" که در حقیقت هم اپورتونیسم چپی هستند که بصراحت در مقابل تروتسکیستی خارج از جنبش کمونیستی تجلی میابند برای پوشاندن جریان اپورتونیستی راست غالب بر دنیا نیسه، بی مسمی و بی جا خا طرنشان شده اند. اما ذکر این دو ویژگی علاوه بر این دلایل دیگری نیز دارد. در بحثهای جاری در جنبش، بیش از تشکیل کنفرانس وحدت و حتی در جریان کنفرانس و بعد از تلاشی آن تضاد دکاروسرمایه بعنوان تضاد اساسی جامعه ما از سوی شکل های نظریه ماسا مطرح شده و میشود. اما این تضاد که در واقع مربوط به ساخت اقتصادی جامعه است و تحول به جامعه سوسیالیستی در گرو حل آنست، نیز بنیونه خود در گرو حل تضاد عاجل تر کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان با نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم قرار میگیرد، که شرایط را برای حل تضاد اساسی فراهم مینماید. حل این تضاد عمده با سرنگونی حکومت پاسدار نظام کنونی و برقراری حکومت کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان که شرایط را برای حل تضاد اساسی از طریق مراحل مختلف ساختمان سوسیالیسم فراهم میآورد، ممکن میگردد.

گروههای شرکت کننده در "وحدت انقلابی" این نظریه را رد نموده و آنرا مترادف با "عمده نمودن تضاد دکاروسرمایه" میدانستند زیرا که از نظر آنها تضاد اساسی "کاروسرمایه" مختص جوامع سرمایه داری و کلاسیک و پیشرفته است و نمیتواند پذیرد که جوامع سرمایه داری وابسته بمعنای عام همان جوامع سرمایه داری هستند که خصوم هیات مهمی از قبیل وابستگی، عقب ماندگی و... دارند، و در واقع تضاد اساسی که بیان کننده جنبه های اساسی ذاتی و غیر ویژه پدیده میباشند، در آنها نیز همان تضاد دکاروسرمایه است. و در مقابل استدلالاتی که در مورد نقش ضد انقلابی بورژوازی در کلیت خود و اتحاد آنها در انقلاب آینده آورده میشد، نتیجه میگرفتند که این "کمپها دادن به جنبش دهقانی" است. و با این ترتیب دو تعلق مختلف از تضاد عمده و نقش دهقانان بوجود آمد. از سویی "تضاد عمده با امپریالیسم" به معنای شرکت اقشار

معین بورژوازی با شکل خاصی از این شرکت ارزیابی شده و دهقانان شامل اقشار خرده بورژوازی نیز میگشتند و از سوی دیگر تضاد عمده با امپریالیسم بمعنای تضاد عمده، پرولتاریا، دهقانان و سایر زحمتکشان با نظام سرمایه داری وابسته تفسیر میشد که دهقانان را مرکب از اقشار تهیدست و در نهایت متوسط الحال میدانست. بحث بر سر توصیف بندی متفکات و از نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و نقش بورژوازی متوسط و یا خیر و بورژوازی بر قه بعنوان نیروی متزلزل، بنا به دو تفسیر متفاوت بود. ترجیح بند "عمده گرفتن تضاد دکاروسرمایه" و "کمپها دادن به جنبش دهقانی" نمیتواند ما را با این بحثها نیا نندازد. و اگر از تحریف و اصولی بیانیه در بحث لطلی یعنی اساسی بودن تضاد دکاروسرمایه و معنای تضاد عمده با امپریالیسم و نیز تحریف طبقاتی از خرده بورژوازی انقلابی و دهقانان متحد پرولتاریا بگذریم، مرز بندی بیانیه یا چنین "اپورتونیسم چپی" همان مرز بندی ما با اپورتونیسم راست غالب برتار و بود بیانیه خواهد بود. و این مرز بندی اصولی بر روی مسائل استراتژیک است که چشم پوشی از آن تحت عنوان "ضرورت وحدت" و توافق بر روی نفس ضد انقلابی بودن هیات حاکمه غیر ممکنست.

ملاحظه میشود که بیانیه از اپورتونیسم چپ هم نظیر اپورتونیسم راست تفسیر درستی بدست نمیدهد ولی بدتر از آن با حفظ همان گسرا - یشهای اپورتونیستی چپ و راست با کمال مراحت به وحدت میرسند! و حاملین آشکار و غیر قابل انکار همین گرایشها را در درون خود جای میدهد و اینهمه را به بهانه "ضرورت" و "وحدت انقلابی" جابزیمینار د!

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

بیانیه

تعی در مقابل وحدت اصولی قلمداد کنیم، متذکر می‌شویم که وحدت بر روی نفس "صدانقلابی بودن هیات حاکمه" و مفاهیم کلی "جمهوری دمکراتیک خلق" و "سوسیال امپریالیسم" نمیتواند برای وحدتی که محتاج به تحلیل معین طبقاتی و تدوین نظری و برنامه‌براساس این تحلیل است تکافو کند. در هر وحدت باید نظرات غالب بصورتی منسجم بیان شود و نقاط ابهام و اختلاف تذکر داده شود و مبانی وحدت اصولی کلیه نظرات، روش حرکت تشکیلات با وجود این اختلافات و ابهامات و آن روشها و اشکال خاصی که برای حل آنها پیش بینیشده میشود معلوم یابد. سرپوش گذاردن روی اختلافات، کوشش جهت تا میسر رضایت همه با تنظیم عبارات و جملات و اتخاذ روش لیبرالی برای ازای همگان در ارگانهای تشکیلات، تحمل پنهان نمودن نظراتی که بصراحت

و وضوح در تضاد کامل با بیانات امروز از سوی حامین همان نظرات است، و بالاخره کوشش در قلب تمام این واقعیات بعنوان یک وحدت اصولی آنه تنها ضرورت تحقق امر حیاتی وحدت نیست بلکه به آن ضرر نیز وارد میکند. زیرا در واقع اتحاد کتیکی گروههای مختلف بعنوان وحدت استراتژیک جلوه گر میشود، که حتی در مجموعه با هماهنگی و ادغام شده خود کارایی محدود همان شکل های کوچک هماهنگتر و مجسز را هم ندارد. گرایشی که التقاط و سازش غیر اصولی را تشویق نموده و با بهانه های مختلف توجیه مینماید و آنرا بعنوان یک خط سیاسی جدید ارائه میدهد مدتهاست که در تاریخچه جنبش کمونیستی بین المللی تحت عنوان "سانترسیم" همواره در زمان اوچگیری مبارزات ایدئولوژیک خودنمایی نموده است و بیپرده نگفته اند ما نترسیم از بدترین انواع اپورتونیسیم است.

توضیحات:

به این ترتیب است که وظایف کمونیستها با جهیدن از قلمروهای این چنین تعیین میگردد:

"کمونیستهای کشور ما مجازند در این دوراهی حساس تاریخی انتخاب کنند. ۱۰ - کمک به بورژوازی و بعضی های بظاهر خرده بورژوا و جامعه روحانیت قشری و واپسگرایان تحلیل حکومت بظواهر ملی و در باطن ضدملی و ضدانقلابی بر مردم و جامعه و با ۲- دریدن نقاب عوامفریبی از چهره هیات حاکمه و همراه شدن با جنبش واقعی مردم که خواه ناخواه با پیدا این هیات حاکمه هم روبرو گردد. همانگونه که در کردستان، بندرانزلی، تبریز، بندرعباس و..... روبرو گردیده است. ۳- آری انتخاب آزاد است "تکیه از ماست زحمت که از "حکومت آخوندها" بشدت متنفر است با چنان تعریفی که از مبارزه "ضدامپریالیستی (خودکفایی و شکوفایی اقتصادی ملی مبارزه برای مستقل نمودن اقتصاد کشور)" مینماید، طبیعی است که در ظاهر بسیار "چپ" محتوای راست ارائه میدهد. خشم زحمت و محتوای آن در زحمت ۹، پنجم دینما این چنین متجلی میشود.

"حکومت آخوندها، تحت هر عنوانی و شکلی که میخواهد باشد حکومتی مترقی نیست، این حکومت نه تنها قادر نیست جامعه را در چهارچوب معین به نظم در آورد، بلکه از هم گسیختگی و بی نظمی را در جامعه دامن زده و بنوبه خود به تعمیق بحران انقلابی تداوم میدهد و آنرا بیشتر میکند" (تاکید از ماست)

انقلابیونی که از تعمیق بحران انقلابی ناراحتند، او برقراری "نظم" و یا "بی نظمی" را چنین اعجاب انگیزه "ترقی خواهی" یک حکومت ربط میدهند محتوایی جز آنچه مورد نظر بورژوازی است را ارائه نمیدهند.

"بهر حال مناسبات سرمایه داری موجود در ایران با همه عقب ماندگیهایش طالباتوابع نظم معینی است و نیروهای هوادار سرمایه داری نیز طرفدار استقرار و قانونی شمردن همین نظم اند این چنین نظمی نه فقط با نظمی که ما کمونیستها و نظام مطلوبان میطلبید تضاد دارد، بلکه با نظم و سلسله مراتب مطلوب جامعه روحانیت نیز تضاد آشکار است. اما دونوع تضاد: میان "نظم" مطلوب سرمایه داری و هواداران آنرا با نظم مورد علاقه جامعه روحانیت تضادی میان حال و گذشته است و تضادی میان نظم مطلوب و همین "نظم" مطلوب سرمایه داری تضادی است میان حال و آینده."

و خودبخوان حدیث مفصل از این مجمل!

۱- زحمت "ارگان اتحادیه انقلابی برای رهایی کار"

۲- زحمت ارگان اتحاد انقلابی برای رهایی کار "شماره ۸ فوق العاده و قایع تبریز، زحمت شماره ۸، زحمت شماره ۹ و ۱۰...."

۳- برای روشن شدن این اپورتونیسیم چپ ولی در واقع راست چند نمونه زیر قایل توجه است. "زحمت" ۲۵ در ما در مقابل تمام ماجرای سفارت و مبارزه ضد امپریالیستی توده های مردم که بدنبال آن اوچ گرفت واقعیه را بدینصورت تفسیر مینماید.

"ماجرای گروه انگیزی و اشغال سفارت آمریکا در تهران بر روی دادی "هیجان انگیز و پیریه ها همیدل شده است. جاسوختنه آمریکا اشغال میشود، کاسینه بازرگان سقوط میکند و مورد دولت رسماً به جامعه روحانیت واگذار میگردد معدودی از گردانندگان اصلی جمهوری ایلامی موقعیت خود را سریعاً از دست میدهند. حوادث گوناگون یکی از پس دیگری بوقوع پیوسته و گنایه های سیاسی راه دنیبال میآورد.

بدنبال این وقایع امپریالیستهای آمریکایی کشور را تهدید به تجاوز و نظامی کرده، معظم ترین ناوهای جنگنده، خود را روانه خلیج فارس میسازند. سپس کارتر پس از خروج از جلسه فوق العاده شورای عالی امنیت آمریکا روز دوم دی ماه را تعطیل عمومی اعلام میکنند تا مردم به کلیسای مار و بدو برای آزادی گروهانهای آمریکا بی دعا کنند!"

و اینست روشی که "زحمت" از دریچه چشم خود به دنیای خارج مینگرش نقش توده ها در این "یاهو" همان چیزی است که زحمت آن را با مهارت حذف میکند و اگر لازم باشد آنرا تخطئه هم مینماید کاری که تنها از عهد ه یک روشنفکر بسیار "چپ" بر میآید.

"مبارزه علیه امپریالیسم و بر ضد آمریکای غارتگر، مبارزه در جهت خودکفایی و شکوفایی اقتصادی است، مبارزه برای مستقل نمودن اقتصاد کشور، بگروگان گرفتن تعدادی جاسوس و ما مور آمریکا و بر راه انداختن نمایان بدو ر جس آنها!" (تاکید از ماست)

"میگویند کشور در آستانه جنگ با آمریکا است و آنوقت اتکا مسئولین امور بر ارتش است که با هزاران بندیده خود "شیطان بزرگ" متصل است، اگر این یک شوخی بزرگ نباشد، قاعدتاً باید برنامه ای با هدفهای معین باشد."

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

بقیه از صفحه ۱۱

مجاهدین خلق

از مبارزات خویش در برپیش تریسین بهنینه گداشته اند در طی ۱۵ ماه که از موجودیت قدرت حاکمه میگذرد هیئت حاکمه همواره دست در بر سینه آنان زده است و علی رغم تضرعاتی که از بران هیئت حاکمه مینماید پندحتی ایک کرسی پارلمانی را نیبذرد اختیارشان نخواهند گذاشت اما آنان همچنان به اراشه دلیل و شاهد برای بیگناهی "خود در صحنه مبارزات ققائی و ملی جاری جا معبرای جلب توجه هیئت حاکمه مشغولینند "خرگناه ما چیست؟ مگر ما درستتر ایسین مدت حتی بعنوان مثال یک گلوله هم شلیک کردیم" (سخنرانی رجوی در رشت) چه افتخار بر بزرگی! به قانون اساسی رای ردمیدهند اما "نظم و قانون موجود" را میبذیرند، به مبارزه با امپریالیسم اعتقاد دارند اما در عمل نه در کنار خلقها بلکه چشم به هیئت حاکمه دارند! در کنار چایی برای مبارزه با امپریالیسم نصیثان شود، انبوهی از عملکردهای ضد انقلابی هیئت حاکمه را افشاء میکنند و بیان میدارند که سپاه پاسداران "عرصه یک تازیها و تمقیه حسابهای گروهی و شخصی شد" (مجاهد ۲) اما نیروها را قتل و سلب انقلاب خود را دودستی تسلیم آن میکنند به حقوق ملی خلقها اعتقاد دارد اما اعتقاد دارد که مبارزات آنها فقط بسودا امپریالیستهاست (مما حبه موسی خیابانی) "روند دنیا لکتیکی امور" را به "چپ و وها و چپ نماها" گوشزد میکنند اما خود نمیتوانند را بطنه دنیا لکتیکی بین تضادهای یک ساخت اجتماعی اقتصادی را با همدیگر درک کنند، نمیتوانند را بطنه دنیا لکتیکی "تضاد خلق و امپریالیسم را با با بر تضادهای از جمله تضاد بین ستم ملی و حقیق تعیین سرنوشت خلقها را در یابند، خواستار توقف حرکت نیروهای درونی پدیده و برخورد بین آنها هستند اما امپریالیسم را "تمام و کمال" از درون پدیده بیرون رانند آنگاه به نیروهای متضاد درون پدیده ا جا و حرکت دهند.

با رزترین جلوه دوگانگی مجا همدین این دموکراتهای ناپیگیر ما را خلق های تحت ستم و بویژه خلق کرد تجربه کرده است آنان از یکسو بر حقوق ملی آنها تا کید دارند و از سوی دیگر حتی از افشاکری جنایات هیئت حاکمه در حق این خلق ستم کشیده خودداری میکنند و برای اینکه دامن خود را از این مبارزه انقلابی بشورند با رها و با رها اظهار داشته اند که ما حتی در این مناطق یک عضو ساده هم نداریم ولی در عوض تسلیم نامبرایشان ما در نموده و از جنگ افروزان اصلی هیئت حاکمه مطالبه حقوق آنان را مینمایند. از یکسو ستم ملی را تجلی از سلطه امپریالیسم میدانند و از سوی دیگر به هیئت حاکمه ای که برای حفظ این ستم ملی از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است دعوت نامه برای مبارزه با امپریالیسم میفرستند. برینا ما مجاهدین خلق در مبارزه با امپریالیسم همان سرنجامی را خواهد داشت که مبارزه با امپریالیسم تا مرز داشت امپریالیسم اگر در روابط اجتماعی اقتصادی جا معمدوم نشود مبارزه با آن تخیلی بیش نخواهد بود. وحدت همه نیروها از جمله هیئت حاکمه برای مبارزه با امپریالیسم در حوال "تضاد اصلی خلق و امپریالیسم" و تعطیل کردن حرکت سایر تضادهای معنی تجزیه مکانیکی مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی ملی است. اگر انقلاب ما "یک انقلاب رها بی بخش و ضد امپریالیستی است" و میهن ما هم نه در زمان شاه است اکنون تحت اشغال امپریالیسم یعنی نظامی آن و علی رغم حضور وسیع آن در همه سطوح و وابستگی همه جا نبه رژیم سابق به آن و تحت استعمار مستقیم آن نبوده است پس رهایی از چه رابطه ای و ضدیت با امپریالیسم در چه پهنه ای از روابط اجتماعی اقتصادی جا معما، مضمون انقلاب ما را تعیین میکنند و در کجا عینیت مییابد؟ آیا رهایی از ستم ملی جزئی از وظایف این انقلاب است و مبارزه با امپریالیسم را تحقق میبخشد یا احیاء ستم ملی و

سرکوب خلقها در مقابل این خواست است آیا ما دره ملاک زمینداران و تشکیل ثوراهای دهقانی و تسلیح توده ها و سرکوب خوانین و عوام ل وابسته به رژیم شاه مبارزه با امپریالیسم است یا انحلال ثوراهای خلق سلاح توده ها و برسمیت شناختن حق ملکیت دهقانان بر زمینهای مصادره شده و تقویت "قیاده موقتها" و کشتار خلقها کاتال مبارزه با امپریالیسم است؟ مجاهدین حکم به تعطیل مبارزه خلقها را میدهند تا مبارزه با امپریالیسم پیش رود اما در کجاست روشن نیست، از آنجا دهه مبرم برای مبارزه با امپریالیسم و همراهی با هیئت حاکمه بر علیه امپریالیسم صحبت میکنند اما چگونه این اتحاد در شرایطی که هیئت حاکمه این مردم را سرکوب میکنند و شدیداً از تسلیح آنها فراس دارد و اعمال حاکمیت اراده آنها را بر سرنوشتشان برسمیت نمیشناسد چگونه عملی است؟ بی پاسخ میگذارد. مجاهدین میخواهند "تضاد خلق با امپریالیسم" را حل کنند اما در کجا معلوم نیست؟ در سفارت، پشت گوشی تلفن، پشت تلویزیون؟ یا در صحنه تیردخونین خلقها برای کسب حقوق ملیشان و در صحنه دانشگاه و کارخانجات و مزارع برای بسیج انقلابی توده ها و تا مین رهبری انقلابی آنها که راهی جز مبارزه با حکومت ضد انقلابی از طریق آگاه نمودن توده و ارتقا سطح مبارزات آنها برای خواسته های بحقشان ندارد؟ اما ظاهراً مجاهدین شکل نخست را برگزیده اند.

کردستان / قهرمان، خلق قهرمان ترکمن، توده های زحمتکش جامعه مبارزات خونبار خود ما هیئت واقعی هیئت حاکمه را بروشنی تجربه نموده و در جریان همین مبارزات ما هیئت واقعی سازمانهای سیاسی را در می یابند. آنها در مییابند که چه نیروهایی مبارزه و را سازمان داده و یا برای آن بر تحقق خواستهای بحقشان برای عینیت بخشیدن به مبارزه با امپریالیسم جا نقشانی نمودند بی میبند چگونه نیروهای

با درکی نادرست از مبارزه با امپریالیسم و تحلیل نادرست از تضاد های حاکم بر روابط جامعه و شیوه حل آن از مبارزات انقلابی توده ها دور مانده و نوع مبارزات خود را که دیگر شکل "انتقاد" خیر خواهانه بخود گرفته است جا یگزین مبارزات آنها نموده اند. براتیک توده های انقلاب بی خلق کرد و دیگر خلقهای برخاسته ایران معیار صریحی در شناخت ما هیئت واقعی کلیه نیروهای سیاسی جامعه گردیده است، موضعگیری ما مان مجاهدین خلق علی رغم بیان اعتقاد به حق تعیین سرنوشت خلقها نه تنها هیچ پشتوانه ای حتی در حد یک افشاکری محدود برای حقوق این خلقها نیست بلکه با مشوب نمودن اذهان توده ها از ما هیئت این مبارزه و کلی با فیهایی که در مورد امپریالیسم و نقش آن در مبارزات خلقها مینماید عملاً بتفشیح حکومتی است که تمام امکانات خود را برای سرکوب این مبارزات انقلابی بکار گرفته است.

و نیز برخلاف تصور مجاهدین بتفشیح امپریالیستی است که قبل از هر چیز در اندیشه سرکوب نیروهای انقلابی، مبارزات انقلابی توده ها و تحکیم و تثبیت یک حکومت مرتجع و وابسته به خود مییابد. حکومتی که با چیره شدن بر مبارزات توده ها از طریق سرکوب قدرت ارتجاعی خود را بگستراند و بیرون داند انقلاب در جا معمله غلبه نماید.

سیاست انقلابی نمیتواند یک آن از اعتدالی مبارزه توده ها در جهت تحقق خواستهای انقلابی آنها غافل شود زیرا هدف انقلابیون چیزی جز بقدرت رسانیدن توده ها نیست.

رفقا و هواداران!

کمک های مالی و انتقادات خود را به هر طریق که می توانید، بدست ما برسانید.

مجاهدین خلق...

مقابل اولیه ترین خواسته هایشان با فاشیستی ترین شیوه ها ایستاده است. بزعم آنان مبارزه انقلابی خلقها برای تحقق این خواسته ها بنفع امپریالیسم است، چرا که تضادهای فرعی را حذف میخشد. نیروهای راکتورالگوی نازشی مجاهدین بلکه همپای خلق صداقت انقلابی خود را بشیوت میرسانند به "چپ روی و چپ نمایی" متهم میکنند و مرتباً "بعرض میرسانند" که دامن خود را از این صداقت انقلابی پسائی کنند و "سیاری نیروها را از بازیها نسجیده با آن (مسأله خلقها) برحذر میدارند. بی آنکه حتی خط فاطمی بین مبارزه برحق خلقها و سیاست عمومی هیئت حاکمه در مقابل این خواسته ها بکشند طرفین این مبارزه را محکوم مینمایند و بعرض میرسانند که "ضمن محکوم نمودن تمام دستهای جنگ افروزان ایران سوز، چه دست راستی و چه چپ روها بی که بخوانند عاری از مسئولیت رهایی بخشند استعمار را سرکشوریه تضادهای فرعی دامن برزند بعرض برسانیم... (۲۳/ ۵۸/۷ تا مه به آیت الله خمینی)

در نهایت آب به آسیاب خود امپریالیسم مییزد، هر نیروی که در مقابل انهدام این مظاهر ایستادگی نماید عملاً چه بخواد یا نخواهد چه "بخاطر اسلام" باشد چه نباشد در خدمت امپریالیسم خواهد بود. هیئت حاکمه که در مقابل این خواسته ها سخت ایستاده است نمیتواند بگمان مجاهدین متحد مبارزه ضد امپریالیستی توده ها شود دقیقاً در مقابل ایستادن مبارزه عمل مینماید هر چند خود بسیار مایهت دیگری گاه بطور محدود در مقابل امپریالیسم قرار میگیرد. سیاست انقلابی آن نیست که حقوق توده را از جنگ افروزان و سرکوبگران تقاضا کند بلکه آن سیاستی است که ما دفاعاً مبارزه توده را با جانبازیهای خود تعمیق بخشیده و در تحقق آن بکوشد. مجاهدین خلق نه تنها در این مبارزه حتی در حد افشای (که بقول خودشان تاکتیک این مرحله از مبارزه شان هست) شرکت نکرده اند، و "حتی المقدور از دخالت عملی در مسأله ملیتها و دعای مرسومه خودداری کرده" بلکه حتی آن نیروی که این مقاومت خلقها را با جانبازیهای خود سازمان میدهد و خود دوشا دوشان اعدا و کشتار میثوند به "چپ روی و چپ نمایی" متهم میکنند. مجاهدین معترضند که چرا "مدعیان انحصاری طبقه کارگر" آنان را متهم به سازگاری می نمایند و در عین حال در بحبوحه جنگ کردستان یا گنبد تسلیم نشده ما در میکنند و دل نگران مبارزه ضد امپریالیستی بسبب خود هستند. ما حاضر نیستند در راهی از جنایات هیئت حاکمه را در جنگی که "از گذشته بیشتر ساخته میشود" افشاء کنند. فشنان ناشی از واقعیت آنها را مجبور میکنند که زیرکانه در حادترین مقطع جنگ اخیر طی دوشماره به تاریخچه جنبش کردستان از سالهای ۲۰ به بعد تا اوائل ۵۰ بپردازند. اما بی آنکه هر آنچه امروز در کردستان میگردد (که در هیچ یک از مقاطع مبارزات این خلق قهرمان از نظر بعد جنایات و کشتار ضد انقلاب سابقه ندارد) مورد ارزیابی قرار دهند. وتوهم توده ها را نسبت به فریبکاری هیئت حاکمه

و تخطئه مبارزان این خلق قسدی کاشی دهند. این دستداران خلق اگر به سیاست سازش با هیئت حاکمه کشیده نمیشدند و اگر این سکوت مماشات و مصلحت جویانه خود را میبگستند میتوانستند با توجه به توده هوادار نسبتاً انبوهی که بمدد سوابق انقلابی خود و ضعف جنبش چپ بدست آورد. هاند سهم زیادی در افشاء سیاست هیئت حاکمه در کردستان و اثبات حقانیت این خلق و در نتیجه تضعیف پایگاه توده ای رژیم برای آنها جانی نداشتند. اما سکوت و مصلحت جویانه مجاهدین و در پیش گرفتن سیاست "مبادای" و "بیطرفانه" آنها کمک مؤثری به هیئت حاکمه نموده است تا ما هیئت انقلابی مبارزه خلقها را مخدوش و توهمات توده ها را در این رابطه تقویت نمایند. مجاهدین خلق ایران ضمن ابراز نگرانی شدید از این نوع درگیریهای که چیز به سود امپریالیستها نبود و نخواهد بود، خواهان پایان دادن هر چه سریعتر به درگیریهای خونین آنجا هستند" (مجاهد ۳۲ تا کیدازماست) اما تا آبان ماه ۱۵ ما دادا مبارزه خلقها و سیاست رژیم در مقابل آن روشن نکرده است که عامل این درگیریها در کجا نهفته است که مجاهدین از پر داختن به آن ابادارند؟ آیا مدعیان سندوشواهد دیگر هنوز به اثبات نرسانده است که عوامل مختلف هیئت حاکمه چگونه با مسلح نمودن فتودا، آنها و دیگر نیروهای مرتجع محلی سرکوب زخم کشان خلق کرد را از مدتها قبل تدارک دیده اند؟ آیا جنایات امثال ملاحی در ارومیه که همدست ظهیر بنژاد و فلاحی ها و جرمان ها و حماییت بی دریغ هیئت حاکمه قاجعه قاربا و... را آفریده است معلوم نمیشود که چه کسانی به سود امپریالیستها کار میکنند و راه "پایسان دادن هر چه سریعتر به درگیریهای خونین" راهی جز سرکوب مرتجعین محلی و غلبه بر تحریکات و تجاوات هیئت حاکمه نیست؟ آیا مجاهدین راه دیگری را در مقابل حکومتی که میخواهد نظم ضد انقلابی را به قیمت کشته دزد کردستان دائر کند سراغ دارد؟

مجاهدین چشم بر روی تمام این واقعیات میبندند، با اتخاذ موضع "تاسف ویی طرفی" از کنسار آن میگذرند. شانه خود را از چنین بنسار سنگین مسئولیت مهمی خالی میکنند و این همه را به بیگانه مبارزه با امپریالیسم جلوه میدهند، اما هر بار به عیب از هر فرصت استقاده میکنند تا مراتب وفا داری خود را به حکومت ابراز دارند و متحدین خود را در مصوف آن جستجو کنند؟

مجاهدین درست در آستانه جنگ اخیر کردستان که پر طیش ترین صحنه مبارزه واقعی ضد امپریالیستی توده ها را هیئت حاکمه مورد تهاجم قرار داده است اظهار میدارند که "مجاهدین خلق ایران با اعتقاد راسخ ترا همیشه نهایت اما دگسی خود را برای هر گونه هماهنگی و همکاری در خطوط ضد امپریالیستی بسا کلیه مقامات و ارگانهای مسئول به پیشگاه خلق قهرمان ایران و شخص امام خمینی اعلام میداریم" (اعلام میه ۵۹/۲/۵).

این کدام "خطوط ضد امپریالیستی است که مجاهدین آن را وجه مشترک" هماهنگی و همکاری "خود با کلیه مقامات و ارگانهای مسئول" قرار میدهند؟ کسانی که این چنین چشم و گوش خود را بر روی واقعیات جاری در جامعه میبندند و مصرا نه و با ذره بین بدنبال تقاطع مشترک بسا "کلیه مقامات و ارگانهای مسئول" میگردند، در غرض تیر انقلابی توده ها خلق کرد حقانیت مقاومت مسلحانه آنها را سرپوش گذارده و هیچ هماهنگی و همکاری با نیروهای انقلابی در این عرصه را قائل نمیشوند. این است یکی از بارزترین بین جلوه های سازشکارانه در مقابل قدرت حاکمه ارتجاعی و انحرا فاضول مبارزه انقلابی.

تزمجا هدین خلق از مبارزه با امپریالیسم حول "تضاد اصلی خلق و امپریالیسم متجر به انقباض آنان از صحنه مبارزه طبقاتی و ملی حاد جاری جامعه گردیده است. آنان دوستان خلقند اما خلق را در این دور

بنا به از صفحه ۱

با تاکنون در چنین مناطقی حتی یک شعبه دفتر هم ایجاد نکرده ایم... (مجاهد) نما حبه موسی خیا با نسی (که همواره هرگاه مبارزات ایستادن خلقها شدت میگیرد مجاهدین با صراحت آنرا بیان میدارند نشاندهنده سیاست مماشات و بیپیش غیرطبقا است که این دوستان خلق از تضاد های حاکم بریک جامعه سرمایه داری وابسته و مبارزه با امپریالیسم

یاد دشمن از نظر ما اساساً ایادی امپریالیست ها و بقایای سرسپرده شاه هستند (مجاهد) سیاست سازش و مماشاتی که طی ۱۵ ماه هیئت حاکمه پیش برده اند آنچنانکه "مجاهدین خلق ایران با اعتقادی راسخ ترا همیشه نهایت آمادی خود را برای هماهنگی و همکاری در خطوط ضد امپریالیستی با کلیه مقامات و ارگانهای مسئول به پیشگاه خلق ایران و شخص امام خمینی اعلام

گاهی از مبارزه با امپریالیسم و محتوی اردوگاه خلق باعث میشود که مبارزات خلقها و دفاعی که آنان از حقوق خویش در مقابل آنها جم هیئت حاکمه بعمل میآورند "بمنفع امپریالیستها تمام شود" و راه حلی که مجاهدین برای آن ارائه مینمایند بندهای تقاضای تضادها از "فرمانده کل قوا" است با "از محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی آیت الله العظمی بختیاری خالق و خلق علیرغم

با ندها و دستجات قداره کش و مسلح مومن نمیمانند، امپریالیسم دیگر صرفاً نیرویی در خارج از مرزهای جغرافیایی، ما نیست، بلکه در لابلا روابط اجتماعی اقتصادی حاکم، در سیاست عمومی هیئت حاکمه چه بدانند چه ندانند موجودیت دارد. تأکید می که مجاهدین بروحده مردم و تعطیل مبارزه طبقاتی و "همکاری با دولت حاضر" را در این مبارزه مینمایند یکی از نتایجش همانست که

مجاهدین خلق و مسئله خلقها

دارند. آنان معتقدند که در جامعه ما یک "تضاد اصلی بین خلق و امپریالیسم" وجود داشته و سایر تضادها از آن جمله از آن جمله تضاد خلقها با هیئت حاکمه برای حل مسئله ملیت است. این تضادها یعنی گمراهی مبارزه طبقاتی و ملی خلقها میبایست تعطیل شده تا مبارزه با امپریالیسم بهمراه هیئت حاکمه پیش رود. مثلاً وقتی صحبت از مبارزه با امپریالیسم می شود، یعنی اینکه تضاد اصلی خلق، امپریالیسم است پس باید همه مردم یکپارچه علیه آن به مبارزه برخیزند و تا زمانی که او از پای در نیامده است، وحدت خود را حفظ کنند و به مسائل فرعی دست نزنند (مجاهد ۵۳، تا کید زماست) به بیان دیگر از آنجا که در مقطع کنونی تاریخ تضاد بین خلقها و امپریالیسم است نیروهای اجزای رژیم ها با یستی در اردوی خلق و همرازان آنها امپریالیسم جهانی در نبرد دستباز با شد (مجاهد ۴۰) این نحوه نگرش از یکسوتی از شناخت غلبت آنرا با هیئت حاکمه است که "مجاهد" هیچگاه ما هیئت آنرا مستقیماً روشن ننموده و صرفاً از ارتجاع بومی یا عوامل ارتجاعی صحبت میکنند و اینک جایگاهشان را در هیئت حاکمه تعیین نماید. مجاهدین بیگان میدانند که نظم موجود را پذیرفته اند (مجاهد ۶۳) یا "مجاهدین خلق در مقابل اجرا قانون مطیع اند" (۴۷)

میداریم" (اعلامیه ۵۹/۲/۵) نشانند - هندها بنست که هیئت حاکمه را علی رغم اسناد رنگارنگی که دال بر ما هیئت ضدا نقلائی آنست با راهها و راهها منتشر مینمایند یک نیروی ضد امپریالیست و در اردوگاه خلق ارزیابی میکنند. از همین روست که میلیشیای خود را دست بسته در اختیار سپاه پاسداران - این بازوی جنایات هیئت حاکمه قرار میدهند تا در مبارزه ضدا امپریالیستی شرکت کنند. از سوی دیگر مجاهدین امپریالیسم را از روابط اجتماعی - اقتصادی جامعه منتزع کرده و از سلطه آن خود بخود مبارزه با آن تصویری ذهنی دارند بطوریکه معتقدند امپریالیسم را باید "تمام و کمال" از میهن برون راند آنگاه به "تضادهای فرعی" که شامل همه تضادهای اجتماعی مگر تضاد خلق و امپریالیسم میشود پرداخت: "ما میکه سلطه امپریالیسم را از میهن خود ما آریش کن نکرده و به آزادی واقعی و تمام و کمال دست نیافته ایم هیچ حل قاطعی برای تضادهای فرعی و منجمده ما - له ملوتها هم متصور نیست هرگونه پرداختن غیر اصولی به این تضادها طوریکه تضاد اصلی و مساله تمام خلق ایران فراموش شده و بیست تحت الشعاع قرار گیرد ما لا به ضد خود تبدیل شده و مبارزه ضدا امپریالیستی تمام خلق را مختل خواهد نمود" (چه کسی در کردستان پیروز میشود - مجاهد ۹) چنین دید -

بیماری و ضعف مزاج در اولیست فرصت بنواحی گنبد و خوزستان و بلوچستان قدم رنجه فرموده و مردم داغ دیده ما را در سیر حقایق حقوق ملی خود (اعم از اقتصادی، سیاسی فرهنگی) تسلی بخشیده (پیشنها د مجاهدین خلق "در مورد حل قطعی مساله گنبد و پیشگیری از خسو ادت آینده خوزستان و بلوچستان ۵۸/۱/۲۱) تجربه پا نژده ما هم مبارزات خلقها و عملکردهای حاکمه و ادامه حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته بر منحنه اقتصادی جامعه ما و تلاش هیئت حاکمه برای ترمیم آن نشان داد که مبارزه با امپریالیسم خارج از مبارزات کارگران بر علیه سرمایه و مبارزه خلقها بر علیه سیستم مللی و جلوه های دیگر مبارزه ملی و طبقاتی جامعه نیست. امپریالیسم دیگر در چشمان سبزی میونترهای مذهبی و مشاورین رنگ و وارنگ مستعمرات وجود ندارد. ما میکه سیستم سرمایه داری وابسته حاکم است و ما میکه کارگران را بجرم مبارزه با این سرمایه به گلوله میبندند یا به زندان میکشاند، و ما میکه دانشجو یان را بجرم افتخار امپریالیسم و ارتجاع در بی با بقت ترین تکل آن در تاریخ دانشگاهها کشتار میکنند، و ما میکه حق خود مختاری خلقها را بر سیمت نمیشناسند و خشیا نه تر - بین شکل ممکن آنرا کشتار میکنند و ما میکه حتی یک راهبیمایی و میتینگ مجاهدین خلق نیز از آنها جم

طی ۱۵ ماه اخیر بر خلقها و حقوق دموکراتیک شان رفته است. تلقی مجاهدین از تضاد مبارزه با امپریالیسم علی رغم اعتقاد به وجود طبقات دال بر ترفی مبارزه طبقاتی و ناتوانی از صایز بین مبارزه با استعمار خارجی که امروزه دوران آن گذشته است و مبارزه با امپریالیسم در شرایط سلطه جهانی سرمایه مالی است. امپریالیسم دیگر بطور مشخص در مناسبات اجتماعی اقتصادی جامعه حضور ندارد و مبارزه با آن از کاتال مظار موجودیت آن در این مناسبات میگذرد. طبقات اجتماعی در ارتباط با منافع مشخص خود در حوزة معین حیوانات خود میتوانند با امپریالیسم مبارزه کنند. وقتی خلق کردیا ترکمن برای کسب حقوق ملی خود چنین مبارزه خونینی که هیئت حاکمه بر آن تحمل نموده است بردوش میکشند و هقیان گنبد از حاکمیت بر زمین که روی آن کار میکنند محروم مینمانند، دعوت از آنها به پذیرش نظم موجود بهانه مبارزه با امپریالیسم چه معنایی جز خدا نمودن امپریالیسم از روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاست حاکم بر جامعه دارد؟ دعوت توده ها به تبعیت از خطت آبائی آن پایبندی از این روابط است چگونه مبارزه با امپریالیسم است؟ مجاهدین خلق، خلق را به تبعیت از نیرویی دعوت میکنند که در بقیه در صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

ضمیمه سیاسی خبری 'رزمندگان' ۱۵

پیک رزمندگان

۱۵ خرداد ۴۲

قیام خلق!

۱۵ خرداد ۵۹

خوشه چینی ضد خلق!

انقلابی به قتل و ترور تهدید میشوند میراث خواران قیام ۱۵ خرداد دو قیام ۲۲ بهمن، در همان روزهای تاریخی که توده‌ها بر علیه نظام ظلم و استثمار، نظام سرمایه‌داری وابسته قیام کردند، با فریب توده‌ها، در راه تشبیت همان نظام و تصفیّه حساب با نیروهای کمونیست و انقلاب بی‌گام بر میدارند.

۱۵ خرداد ۴۲، سالروز قیام خونین توده‌ها بر علیه ظلم و استبداد و استثمار بود، ۱۵ خرداد ۵۹، بسیج توده‌ها بر علیه توده‌ها، بسیج توده‌ها بر علیه نیروهای انقلابی و مبارزان بسیج توده‌ها برای ابراز وحدت با جمهوری اسلامی حامی نظام سرمایه‌داری وابسته است! بقیه در صفحه ۶

۱۵ سال، هفدهمین سالگشت قیام خونین یا نژده خرداد را گرامی میداریم، اما نه همچون سالهای گذشته و حتی نه همچون پارسال. اما سال، سالگر قیام خونین، ۱۵ خرداد مصادف است با اوج گیری هر چه بیشتر مبارزه طبقاتی، و در نتیجه، با تهدید و ارباب و فشار هر چه بیشتر هیأت حاکمه بر توده‌ها و نیروهای انقلابی.

اگر مثلا در سال ۵۵، دانشجویان مبارز، در "پلی تکتیک تهران" یا نژده خرداد را با یک دقیقه سکوت در سلف سرویس برگزار میکردند، اما همان دانشگاه با عنوان "سنگسار امپریالیسم شرق و غرب" در روز تا ریخی ۱۵ خرداد دبیران مدت نامحدودی بیسه میشد و دانشجویان مبارز و

درباره دومین کنگره شورایهای اسلامی

مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران بعد از قیام و روشن شدن نقش شورای کارخانه و در مبارزات کارگران موجب گشت که دولت نتواند شوراها را درهم شکنند و شوراها برقرار ماندند. اما هیئت حاکمه برای خنثی کردن مبارزاتی که از طریق شوراها امکان پذیر بود به حیل دیگری دست زد و آن نفوذ و در دست گرفتن شوراها توسط حزب جمهوری اسلامی و هدایت آن تحت نظرات حزب فراگیر حاکم بود.

شیوه‌ای که هیأت حاکمه و حزب جمهوری اسلامی بدان دست زده‌اند شیوه‌ای است که بورژوازی در سراسر جهان از آن بسیار استفاده نموده است، بورژوازی همواره برای حفظ خود و جلوگیری از رشد مبارزات از شیوه سرکوب و فریب استفاده میکند و در دست گرفتن رهبری مبارزات کارگران و ارگانهای مبارزاتی طبقه بقیه در صفحه ۲

دومین کنگره "سراسری شوراهای اسلامی کارگران ایران" در روز جمعه ۱۵ خرداد با شرکت ۴۳ نماینده شوراهای اسلامی کارگران سراسر کشور در اصفهان برگزار شد و با یک قطع نامه ۱۶ ماده‌ای و با طرح پیشنهادی قانون کار به کار خود پایان داد.

اولین کنگره در مسجد الجواد تهران برگزار شده بود که در آن علیرغم تمامی تلاشهای حزب جمهوری اسلامی و توطئه‌های آنان، کارگران توانستند تا حدی درباره خواسته‌های خود صحبت کنند.

دولت از همان ابتدای بعد از قیام شوراها را که در جریان مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه رژیم شاه بوجود آمده بود غیر قانونی اعلام کرد و فروروز بر کارگران با زور و اذیت با بودی شوراها و تشکیل سندیکا که البته منظورشان سندیکاهای زرتی بود سخن میگفت ولی اقدام

■ اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، بیماریهای دایمی جامعه سرمایه‌داری!

■ نگاهی به افزایش حداقل حقوق کارگران.

■ کوشش‌های تازه برای رهایی گروگانها.

■ خودسوزی یک کارگر زحمتکش، نمایش جنایتکارانه نظام سرمایه‌داری وابسته!

■ از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!

■ عمال رژیم چگونه از بمب‌گذارها بهره‌برداری می‌کنند؟!

■ قول "شرف" پاسداران!

■ مبارزه کارگران برای آزادی نمایندگان شورای شرکت نفت

■ نظام پوسیده سرمایه‌داری وابسته و مسئله گرانی.

■ ۴۰ ساعت کار در هفته در کارخانه نوافرم.

درباره دومین کنگره شوراهای اسلامی

کارگری یکی از این موازین است. بورژوازی در هر لباسی و گاه در لباس حزبی که خود را طرفدار طبقه کارگر نشان می‌دهند، هم می‌شود و مبارزات طبقه کارگر را تخفیف داده و منحرف می‌کند.

احزاب سوسیال دمکرات در اروپا و آمریکا که بسیاری از آنها از دولت‌های امپریالیستی هم کمک مالی دریافت می‌کردند، بعنوان حمایت از طبقه کارگر در واقع آب به آسیاب بورژوازی ریخته و با محدود کردن خواسته‌های طبقه کارگر و نگه داشتن آن در حد مبارزات صنفی در خدمت بورژوازی بودند.

بعد از قیام، در ایران نیز احزاب و سازمان‌های مختلف بورژوازی کمونیستی و انقلابی سعی بسیار در به دست گرفتن رهبری مبارزات طبقه کارگر نمودند. سازمان‌ها و احزاب بورژوازی چه در هیات حاکمه و با نام اسلام چون حزب جمهوری اسلامی و چه با نام مارکسیسم چون حزب توده و حزب رنجبران هدفشان از این کار دقیقاً جلوگیری از رشد روزافزون خواسته‌ها، آگاهی مبارزه جویی کارگران بوده است. از سوی دیگر سازمان‌ها و گروه‌های کمونیستی و انقلابی دقیقاً در خدمت کارگران و به منظور رشد و هدایت مبارزه طبقه کارگر و آگاهی دادن و متحد نمودن کارگران فعالیت نموده‌اند.

در این میان حزب جمهوری اسلامی اولاً به علت امکانات فسر او و پشتیبانی و کمکی که از سوی تمامی ارکان‌های دولتی بدان شده است و ثانیاً به علت توهمی که کارگران نسبت به دولت جمهوری اسلامی و حزب شوراهای زیادی را تحت نفوذ خود در آورده و کنگره شوراهای اسلامی تشکیل دهد در این کنگره که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی برگزار شده و از طرف وزارت کار و هیات حاکمه پشتیبانی می‌شود، شوراهای اسلامی سراسر کشور را جمع کرده و قطع نامه‌هایی تصویب شده و مسائلی مطرح می‌شود.

به این ترتیب هیات حاکمه که از همان ابتدا با گفتن "کارفرما، کارگر نداریم، همه با هم برادرند" همه مردم کارگر را سنی داشتند هويت مستقل طبقه کارگر را انقراض کردند. اکنون به راه دیگری توسل جسته و سعی می‌کنند با در دست گرفتن رهبری مبارزات طبقه کارگر مبارزه طبقه کارگر را تخفیف داده و هر چه بیشتر از روبروی کارگران و سرمایه داران و آگاه و متحد شدن طبقه کارگر جلوگیری کنند.

ما رشد مبارزه طبقه کارگر و میزان آگاهی کارگران رتصامی دوران انقلاب و همچنین فشارهای شدید نظام سرمایه داری و استهلاک زندگی کارگران اجازه نمی‌دهد که حزب جمهوری اسلامی و همچنین دیگر احزاب بورژوازی تمامی خواسته‌های کارگران را سرکوب کنند و ماحضی در کنگره‌های زیر رهبری احزاب بورژوازی وایی یعنی کنگره سراسری شوراهای اسلامی هم خواسته‌های کارگران و اجبار حزب جمهوری اسلامی را به تن دادن به آنها لاقدر در حرف‌ها مشاهده می‌کنیم.

قطع نامه کنگره دو قانون کنار پیشنه‌های وصیت‌های کارگران در این جلسات همه و همه نشان ندهند. این شعارض منافع کارگران و سرمایه داران وسی دولت در آشتی آنها از یکسو و سطح خواسته‌های کارگران حتی در زمانی که رهبری مبارزه شان بدست سرمایه داران باشد را از سوی دیگر نشان می‌دهد.

قطع نامه وقانون کار پیشنه‌های هر دو از یکسو و با نگرگوشش حزب جمهوری اسلامی و هیات حاکمه در افزودن بندهای مطلوب خود و تصویب رساندن آن توسط شوراهای کارگری از یکسو و مبارزه کارگران برای گنجانیدن خواسته‌های عینی خود از سوی دیگر می‌باشد نشان می‌دهد که کارگران اگر چه نسبت به هیات حاکمه کمه متوهم می‌باشند اما تحت فشار و عینیت زندگی خود نمی‌توانند از خواسته‌های فوری خود بگذرند و هیات حاکمه را محبور می‌کنند که لاقدر در

حرف خواسته‌های آنها را نیز در قطعنامه بگنجانند

بند ۱ قطع نامه حاوی پشتیبانی بی دریغ از "مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهوری است" یعنی حاوی پشتیبانی بی دریغ از دو حاکم منافع سرمایه داران. واضح است که منافع واقعی کارگران با پشتیبانی از مجلس شورایی که چگونگی انتخابات و ترکیب نمایندگانش معلوم است و دفاع از مقام ریاست جمهوری ایی که از منافع سرمایه داران دفاع کرده و دست به سرکوب خلقهای قهرمان ایران می‌زند، منافات دارد. این بند تنها می‌تواند توسط عوامل جمهوری اسلامی و کارگران فریب خورده ارائه و با تکیه بر توهم کارگران به تصویب کامل کارگران برسد.

اما بند دوم قطع نامه خواهان "تدوین قانون کاری است که در تهیه و تدوین آن کارگران مشارکت واقعی داشته باشند" و خود نیز قانون کاری به کنگره پیشنهاد می‌کنند واضح است که مشارکت واقعی کارگران در تدوین قانون کاری نمی‌تواند مورد قبول حزب جمهوری اسلامی و هیات حاکمه باشد اما کارگران خواهان آن هستند. شوراهای از مشارکت واقعی "نام می‌برند و این نشان می‌دهد که آنها از آن نوع "مشارکت‌هایی" که رژیم می‌تواند به آن دست زدن مثل آوردن دو کارگر نا آگاه یا خود فروخته در جلسات تدوین قانون کاری و بعد تصویب تمامی نظرات خود خبردارند و از هم اکنون بی آن مقابله می‌کنند و حزب جمهوری اسلامی نیز علیرغم میل خود مجبور است برای حفظ رهبری خود و ادامه فریب کاری هایش لاقدر در حد سرف آن را بپذیرد.

در بندهای ۴ و ۵ نیز کارگران خواستار روشن شدن وضع مالکیت کارخانه‌های معارضه شده و رسیدگی به اموال سرمایه داران و واحیان صنایع می‌گردند و در بند ۱۱ نظرات و خواسته‌های مطلوب هیات حاکمه که دقیقاً در مقابل منافع طبقه کارگر قرار داده تصویب می‌رسد. در این

بندها پشتیبانی بی دریغ از "تتیت الله خلخالی به علت مبارزه با مواد مخدر" و حمایت بیدریغ از "نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب" توسط کنگره شوراهای به تصویب می‌رسد.

اما آیا کارگران می‌توانند از ارتش و پاسداران پشتیبانی کنند؟ آیا کارگران که در هر حرکت مبارزاتی خود بلافاصله با ما موران کفایت و پاسدار و روبرو می‌شوند و توسط آنها سرکوب می‌گردند می‌توانند از پاسداران حمایت کنند؟ ارتش که فرما ندهان آن راهمان تیمسارهای شاهنشاهی و آمریکایی تشکیل می‌دهند می‌توانند و در حمایت کارگران باشد؟ واضح است تنها کارگران متوهمی که حزب جمهوری اسلامی هدایت مبارزات و خواسته‌های آنها را

در پیش گرفته است می‌توانند به این بندها و قطع نامه‌ها صحت بگذارند.

باز در بندهای ۷ و ۹ کارگران تاحدی خواسته‌های خود را بی‌سازمان کرده و خواهان رفع هرگونه تبعیض بین کارگران و کارمندان بخصوص در موزونات کار و حداقل دستمزد بیمه، تعطیلات و سایر مزایا می‌گردند. حزب جمهوری اسلامی و هیات حاکمه در چنین شرایطی از رشد مبارزه کارگران روبروی هر روز که مبارزات کارگران با سرمایه داران در کنار روشهای سرکوب و اخراج کارگران فرستادن پاسداران به کارخانجات به حیل و تدبیر سرمایه داران یعنی در دست گرفتن رهبری مبارزات کارگران دست می‌زنند و در این راه حتی به بعضی از خواسته‌های کارگران تن نیز می‌دهند.

اما وظیفه کارگران آگاه و مبارزه ز در کارخانجاتی که این شوراها بر آن تسلط دارند نفوذ در این شورا، شرکت در این کنگره‌ها به منظور فشار سازشکاری این شوراها با سرمایه داران وسی در ایجاد شوراهای واقعی کارگران در کارخانه‌ها می‌باشد و در کنار آن وظیفه شوراهای واقعی کارگران افشای این شوراها و رهبری آنها و تأیید لزوم تشکیل شوراهای واقعی می‌باشد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

عمال رژیم چگونه

از مذبذباها بهره برداری می کنند؟!

روز ۴ خرداد کارگران پلاکاردی را جلوسا ختمان پلاکو واقع در چهار راه اسلامبول بلند میکنند. بیست و یک کارگر آن سرتا سر با ختمان که به ۳۵۰ نفر می رسند جنب و جوش راه می افتند و در تمام طبقات بازاری بحث گرم میشود کارگران از یکسو و کارفرمایان و عوامل کارفرمایان از سوی دیگر، به جروب بحث می پردازند. کارفرمایان سعی میکنند کارگران را پراکنده کنند، اما کاری از پیش نمی برند. در این میان کارگری که از روز قبل از کارگاهی در همان ساختمان اخراج شده بود و تمام کارفرمایان و سرمایه داران آن محل را مشتاخت دست به افشاگری زد. او با آوردن مثالها -

جلوی سینما اروپا که محل تجمع کارگران بیکار است و جلوسا بازار با چنار. این عمل با استقبال دیگر کارگران خطاط شافل، یعنی کارگرانی که اخراجشان را جلو چشمشان و در آینده ای نزدیک می بینند، روبرو شد. اما کارفرمایان هم بیگار نشنستند و در با چنار به کمک تاجرهای بازار به کارگران حمله کرده و با شعار معروف حزب فقط حزب الله، کارگران را ضد انقلابی معرفی میکنند و در جلوسا با ژانزلیزه به کمک فروشگا، داران و در حالیکه حدود ۵۰۰ نفر را جمع کرده بودند با کارگران درگیر می شوند و کارگران را مجبور به ترک آن محل میکنند.

کارگران بیکار و اخراجی خطاط در اعتراض به بسته شدن کارگاهها - نشان مبارزه وسیعی را علیه کارفرمایان آغاز کرده اند این کارگران که قبلاً از عهد و پیمانهای بازاری روزی ۱۸ ساعت کار کرده و سود سرشاری نصیب کارفرمایان خود میکردند - بعد از عهد و پیمانهای بازاری و عدم اطمینان سرمایه داران به فروش کالاها نشان با درهای بسته کارگاهها پشان روبرو میشوند.

اما کارگران به کمک سندیکا مبارزه منتهکی را علیه این اقدام جنایتکارانه سرمایه داران آغاز میکنند. آنها پلاکاردهایی که در آن وضع شان را شرح داده بودند تهیه کردند و در جلوسا ختمانها و پاساژهایی که کارگران زیادی در آنجا مشغول به کار هستند و بوزان میگردند پخش کردند. ختمان پلاکو، پاساژ ژانزلیزه

بی از اعمال ضد کارگری و جنایتکارانه کارفرمایان ساختمان و پلاکاردها - بی که به سرکار کارگران آمده بود، همه را حتی مردمی که از آن محل عبور میکردند در راه بحث و گوش کردن حرفهای خود کشتاده بود.

اما این وضع زیاد طول نکشید و بزودی سر و کله یاساران و بیگار سرهنگ پیدا شد. یاساران و سرهنگ کارگران را پراکنده کرده و یکی از کارگران را دستگیر میکنند. آنها برای اینکه مبارزات کارگران را دگرگون جلوه دهند شایع میکنند که در پاساژ مذبذبا ختماندوبیا این دورغ کثیف سعی میکنند اعمال ضد کارگری خود را بیو شانند و از طرف دیگر عوامل کارفرمایان، و فریب خوردگان، به تبلیغات وسیعی برای علیه کارگران مبارز و سندیکاست دست زده و سعی در بهی راه کشتادن مبارزات کارگران دارند.

معاون اشتغال و بهر روزی وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرده که "با مطالعاتی که روی قیمت کالاهای مورد مصرف و فرو ری کارگری انجام گرفت و نظریه پنگه افزیش قیمت در سال گذشته در مجموع چندان زیاد نبوده، حداقل میزان دستمزد کارگران از ۶۲۷ ریال به ۶۳۵ ریال رسیده است و علاوه بر این بطور ثابت ۴۰ ریال به عنوان پاییه سنوات دستمزد کارگران اضافه میشود یعنی حقوق کارگران ۵۸۰ ریال ده تومان و هشت زار اضافه شده است.

نگاهی به افزایش حداقل حقوق کارگران

بیکاری که وجود دارد هر کارگری مدایش در آید با اخراج میشود و با کارفرما با تعطیل کارگاهش همه را از کار بیگار میکنند مگر بسته شدن کارگاه "قاف ها" در همین دوسه هفته گذشته به دلیل اعتراض کارگران به وضع بد زندگی شان نبود و امروز مگر خود سوزی یک کارگر کاشی کار که دستش هم بجای بی بند نیست به دلیل کمی حقوق و بی بهره بودن از بیمه شده است.

به ۶۷۵ یعنی مثلاً از ماهی ۱۷۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان برسد با این ۳۰۰ تومان اضافی در مقابل آن افزایش قیمت هیچ کارگری هیچ کار نمی تواند بکند. یک محاسبه سرانگشتی این را به هم نشان میدهد! ما میگوئیم این افزایش حقوق ناشیری در وضع بد کارگران ندارد. وضع کارگران و زحمتکشان روز به روز بدتر میشود و آنها مجبورند هر روز غذای کمتری مصرف کنند و ا چیزهای بیشتری چشم پوشی کنند. تازه این قانون مربوط به کارگران کارخانه های بزرگ و کارگاههای بزرگ و رسمی است. دهها هزار کارگاه و کارخانه و کارپیمانکاری وجود دارد که در آنها حتی از اجزای همین قوانین دولتی هم خبری نیست کارگاههایی که یا کارفرمایان آن اصلاً از این قانون خبر ندارند، یا شامل حالشان نمیشود یا کارفرما به هیچ وجه حاضر به دادن این حقوق هم نیست و با این

میشود که میگوید قیمت ها ۱۲٪ اضافه شده است؟ مردمی که هر روز برای خرید ملبوسات بحتاج زندگی خود به بازار میروند آیا میتوانند این را بیاورند؟ هر کدام از ما میتوانیم از چندین قلم جنس مثال بزنیم که قیمتش تا ۲ برابر شده است. قیمت میوه که سرسام آور است بسیاری از مواد که اصلاً گرانترند، ماست و شیر و پنیر هم که قیمتشان شصت و هفتاد درصد بالا رفته پس این رقم ۱۲٪ زکجا در آمده است؟ شاید اولیای امور از طریق مذاکره با حضرات سرمایه داران، احتساب سود آنان به این نتیجه رسیده اند که هزینه های زندگی ۱۲٪ افزایش داشته و بنا بر این اگر در دو تومان و هشت ریال به مزد کارگران اضافه کنند، آنها دیگر غصه ای نخواهند داشت!!

ما میگوئیم با این افزایش قیمت ها اگر حقوق یک کارگر از ۵۶۷

اما با این افزایش دستمزد وضع زندگی کارگران را بهتر میکند؟ آیا این افزایش دستمزد میتواند باعث شود که کارگران کمتر بهیش زن و بچه های شان بخل شوند؟ آیا این افزایش دستمزد میتواند دردی از دردهای کارگران را درمان کند؟ ما میگوییم نه. دولت میگوید افزایش قیمت چندان زیاد نبوده هر جنسی ۱۲٪ گران شد، یعنی قیمت یک جنس ۲۰۰ ریال به ۱۲۲ ریال و یک جنس ۲۰۰ ریالی به ۲۲۴ ریال افزایش یافته است. آیا دولت برای محاسبه تشریح و اسطرلاب میاندازد؟ آیا به معجزه کارکنان بانک مرکزی متوسل

رژیم با این افزایش حقوق های بخور و نمیر که وضع زندگی کسی را بهتر نمیکند. میخواهد مقابل مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها بایستد. به این صورت که با افزایش دستمزد کارگران به میزان ناچیز در مقابل هرا اعتراض کارگران کمی حقوق کارفرمایان دم از افزایش حقوق توسط وزارت کار و جریانات رابها تاجا و گذار میکنند ما در شک ردهای آینده در مورد حداقل دستمزد و نحوه تعیین آن معالهای خواهیم داشت.



تشکیل داده اند و مصمم اند تا یک ماه دیگر حقوق نگیرند مگر آنکه به حقوقشان اضافه شود. مبلغ صندوق اعتباری ظرف ۲۰ روز به مقدار قابل توجهی رسیده است کارگران نوافرم که تجربه سالها مبارزه کارگران ایران را بردوش میکنند با این روشها، توانایی خویش را برای مقابله با کارفرما نشان داده اند.

۴۰ ساعت کار در کارخانه "نوافرم"

وزارت کار نوشته اند و در آن تمام استدلالهای مدیرعامل را رد کرده اند کارگران از گرفتن حقوق بمیزارن قبلی امتناع کرده و صندوق اعتبار

اعلامیه ای رسمی از کارگران در خواست کرده است که با این طرح خواسته ها، مشکلی به مشکلات دولت اضافه نکنند. فعلاً کارگران نامسه ای در داد اعلامیه مدیرعامل و خطاب به

زردیک به دو هفته است که کارگران کارخانه نوافرم قانون ه ساعت کار در هفته را بدست توانای خویش به اجرا گذاشته اند آنها همچنین خواستار افزایش حقوق به میزان ۲۰ تومان در روز و کمک به تعاونی کارگران به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ تومان میباشد. مدیرعامل کارخانه زربانیسی که بخشی از سهام را نیز دارد با این خواستها بشدت مخالفت کرده و طوسی

نظام پوسیده سرمایه‌داری وابسته و مسئله گرانی

سال گذشته در تیریز مردم در اعتراض به گرانی میوه و سایر مواد غذایی، میوه‌های بازار تیریز را مصادره و حراج کردند. نزدیک به دو ماهه قبل نیز مردم کرمان شاه، چند انبار محتکرین را مصادره کرده و اجناس آن را بین زحمتکشان تقسیم کردند. چند روز پیش هم زنان خیابان گرگان، خود آستین‌هایشان را بالا بردند و میوه‌ها را مصادره کردند. این اقدامات مردمی، ظاهراً تلبه

رژیم جمهوری اسلامی که با اوج گیری هر روزه بحران اقتصادی سیاسی قادر به حل این مسأله نبوده، در ابتدا به انکار آن پرداخت و سپس به راه‌های حل‌ها بی‌پناه بود که ورشکستگی آن در تجربه اتاق اصناف رژیم شاه به خوبی به ثبوت رسیده بود دولت با تشکیل کمیته صنفی مام در همان ماه‌های اول بالا گرفتن موج گرانی و مبارزه مردم علیه گرانی دست به شلاق کسه و خرده فروشان زد و خواست از این طریق مشکل گرانی را حل کند، اما این خود به خیال نا راضیان از حکومت میافزود. و وضع دولت را برای کسبه روشن میگرد وقت رژیم نتوانست با این شیوه کاری از پیش ببرد مردم را به حفظ نظم و صبر انقلابی دعوت کرد و بنی صدر هم سعی کرد با ارناد و نصیحت با زاریان و ترساندن آنها از سلسی که دارند میاید، ضاله را اندکی تخفیف دهد، از آنان خواست در تعدیل قیمت‌ها کوشش کنند و آنها را تهدید کرد که اگر اینکار را تا دو هفته عملی نکنند با مردم به مبارزه ادامه و جنبهها را حراج خواهد کرد. اما بی نتیجه بود که در انجام قول خود در مورد ببردن مردم فریب خورده و نا آگاه به داننگاه

اقتصادی موجب مبارزه مردم علیه رژیم شاه گردید و اعصاب و مبارزات و کم کاری های کارگران و کارمندان و زحمتکشان سراسر ایران بحران اقتصادی را به بحران اقتصادی - سیاسی عمیقی تبدیل نمود و این جریان با خارج کردن سرمایه ها توسط سرمایه داران مزدور در برابر افزایش هر چه بیشتری یافت. اما به دنبال مبارزات مردم و سقوط رژیم شاه، رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار آمد، بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی گرانی و تورم و بیگاری و مشکلات اقتصادی فراوانی که از انجده نظام سرمایه داری وابسته در دوران انقلاب میباشند برجا معده حاکم بود اما علیرغم مبارزات دلاورانه مردم سراسر ایران قدرت سیاسی به دست کمانی افتاد که بیعت ماهیت بورژوازی خود قائل در نبودند به گرانی و تورم و بیگاری پایان دهند. زیرا آنها میخواهند سرمایه داران را تا منین نمایند و چرخ تولید را بر اساس سود برای سرمایه داران به گردش در آورند و این به چندین دلیل ممکن نبود و اول سرمایه داران داخلی و خارجی هنوز محیط را از نظر سیاسی و اوضاع اقتصادی مساعد سرمایه گذار

تحت فشار تورم کالاهای وارداتی و محاصره اقتصادی نمیتوانست به روش سرمایه دارانه اوضاع را به وضع سابق برگرداند و اصولاً بسبب وسعت و عمق مبارزه طبقاتی موجود این بحران تنها زمانی پایان مییافت که وابستگی به امپریالیسم قطع میگردد. از اینرو هیات حاکمه به وسایل دیگری که خود نیز به خوبی میدانست بیشتر برای فریب توده‌ها دست روی آورد و کاری از پیش نبرد. و این روزها نا همدیم که مشکل گرانی نه تنها حل نشده بلکه قیمت کالاهای روز به روز افزایش مییابد و مبارزات توده‌ها علیه آن نیز روز به روز گسترش پیدا میکند. رژیم در ایتمدت سعی کرد با فریب و تفریح سرمایه مردم را بگرداند و سعی کرد با گفتن اینکه بعد از همه انقلابات یک چنین مشکلی را نمیتوان دارد و اینها همه بخاطر آنها که به بلهوی است جلومبارزات توده‌ها علیه گرانی را بگیرد. این فریب است که بعد از هر انقلابی در تاریخ بسیاری که سبب انقراض و دوران انقلاب میباشند و چون اگر کارگران و زحمتکشان

کالا	تعداد	قیمت قبل از قیام	قیمت بعد از قیام	درصد افزایش
شیر	لیتر	۲۵ ریال	۳۵ ریال	۴۰%
چای	-	۳۰ ریال	۵۰ ریال	۶۰%
ماست	نیم لیتر	۱۰ ریال	۲۰ ریال	۱۰۰%
تخم مرغ	اکیلو	۷۰ ریال	۱۴۰ ریال	۱۰۰%
برنج	اکیلو	۹۰ ریال	۱۶۰ ریال	۷۷%

این افزایش قیمت‌ها در مورد میوه‌جات به حدی رسیده است که این کالاهای را برای کارگران و زحمتکشان به مثابه کالاهای زینتی و تجملی در آورده است تا از این قیمت‌ها در صورتی که بتوان جنبش را در برابر آنها تهیه کرد مردم را مورد فشار قرار میدهد! چون خیلی از مواد املا کیر نمیبند و دربارا رسیده اند نقد کران به فروش میرسد که دست آدمیزاد به آن نمیرسد. با این قیمت‌ها دیگر تا میهن حداقل وسایل معیشت برای بسیاری از کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان جا معده بسیار مشکل شده است.

و سرکوب دانشجویان انقلابی و کمونیست لحظه‌ای درنگ نکرد، ایمن و وظیفه را بکلی "فرا موش" کرد و باز اریان با زهم چون گذشته به هر چه گرانی کردن قیمت‌ها و هر چه بیشتر بر کردن جیب خود مشغولند و مردم هم از این طرف روز به روز فقر و کمبود مواد غذایی و مصرفی بیشتری دچار شده و از چیزهای بیشتری مجبورند چشم ببوشند. افزایش قیمت و تورم در کشور ما از سالهای ۵۶ آغاز شد و این بحران

ری نمیدیدند و حاضر نبودند ریسک کنند به این دلیل علیرغم تمام پدعوتهای رژیم حاضر نشدند در ایران بطور وسیعی سرمایه گذاری کنند. تا نیا کارگران و زحمتکشان بسا وجود آنکه رژیم را از خود میدانستند ولی حاضر نبودند همان شیوه‌های قدیم استثمار را تحمل کنند و در نتیجه در بسیاری از کارخانجات با مبارزات خود از اینکه با راحت از گلولی سرمایه داران پاشین رود جلوگیری میکردند، در نتیجه قدرت سیاسی حاکم،

بقیه در صفحه ۶

برقرار باد جمهوری دمگراتیک خلق!

اعتیاد و قاچاق مواد مخدر بیماریهای دائمی جامعه سرمایه داری!

جندی است که با انتصاب خلخالی در اس سازمان مبارزه با مواد مخدر، مسئله معتادین و قاچاق تریاک و هروئین، به یکی از مسائل پر سر و صدای روز تبدیل شده است. در این میان حکومت به تبلیغات دامنه داری در مورد این عمل و خلخالی دست زده تا از این طریق هم خود را انقلابی و در حال مبارزه با فساد نشان دهد و هم جنایات خلخالی را که دیگر میان همه به جلاذ خلق کرد معترف و گذشته بود پرده پوشی کند.

وازیوی دیگر مردم که مشتاقانه آرزوی تغییرات بنیادی از سوی رژیم جدید بوده و هستند و تا کنون خبری از آن ندیده اند، به حمایت صادقانه ای از هر نوع اقدام توأم با قاطعیت در مقابل ریشه های فساد رژیم گذشته برخاسته اند.

در این که زحمتکشان میهن ما، در مقابل فاجعه گسترش اعتیاد در جامعه و قربانی شدن جوانان بیرومندان مملکت بدست سوداگران مواد مخدر، بشدت در رنج و عذابند، هیچ کس تردیدی ندارد، بیشک نا بسا ما نتیجه های فراوان اجتماعی همچون بیکاری، تورم، گرانی، مشکل مسکن، نداشتن امنیت اجتماعی و روانی و ناامیدی در قبایل عوارض اجتماع با پذیري چون فقر محرومیت بی عدالتی و غیره در جامعه ای با نظام پوسیده سرمایه داری و بسته از مهمترین عوامل هستند که زمینه روحی مساعدی برای رشد اعتیاد و بازماناسی برای بازگانان مواد مخدر فراهم میکنند. ضمن اینکه در بسیاری موارد، حکومت های سرمایه داری خود در رواج اعتیاد به اشکال غیر مستقیم به تشویق جوانان میپردازند.

و از همین روست که برای از میان برداشتن این زمینه مساعد و نسیز این بازار مناسب چاره ای جز نابودی این نظام پوسیده وجود ندارد. اما در عین حال، و تا پیش از پیروزی در چنان مبارزه های، باید به این نکته توجه کرد که مواد مخدر به مثابه کالایی که در بازار بیفروش میرسد توسط بخشی از سرمایه داران تولید و توزیع میگردد و بخشی از سرمایه داران با سرمایه گذاری در این رشته و خرید و فروش مواد مخدر بودهای کلان میبرند. واضح است که با این حساب مبارزه قاطع و اصولی با این خرید و فروش و جلوگیری از اعتیاد تنها با نبودی نظام سرمایه داری امکان پذیر است.

سرمایه داری و استبداد قطع دست سرمایه داران از کلیه رشته ها و صنایع سودآور از جمله خرید و فروش مواد مخدر است، و تنها این راه خواست کارگران و زحمتکشان ما را در صورت قطع کامل وریشه کن شدن سرمایه داری پاسخ میگوید.

اما حکومت جمهوری اسلامی در یکسال و نیم گذشته، بارها و بارها نسبت ثابت کرده است که به نیازهای بیخ زحمتکشان میهنمان نمیخواهد رسید و نمیتواند جواب دهد، زیرا این حکومت با اصطلاح حامی مستضعفان در عمل همواره حامی سرمایه داران و حافظ نظام سرمایه داری بوده است و درست بدین علت است که ما میگوییم وقتی حکومتی نخواست و نتوانست که با کل نظام سرمایه داری وابسته و با کل طبقه سرمایه دار مقابله حساب کند، هر چه نخواهد و تا نسبت که با بخشی از آنها بطور قاطع مبارزه کرده و بکلی نابودشان سازد.

آیا اعدای این طبقه ای با زور و گنان مواد مخدر را سود خواران و سوداگران ما عقیده داریم که اقدام سرمایه داری که با این کالای مسموم آفرین تجارت میکنند کار غلط نیست. حتی اعتقاد داریم که کسب کار به همین منوال هم پس رود. بی شک تعداد کسانی که در این راه سرمایه گذاری میکنند بسیار کم است.

خود مسئله مواد مخدر را برای همیشه حل خواهند کرد. اما ما معتقدیم که چنین نخواهد شد و با توجه به واکنش با کدانه مردم در حمایت از این اقدامات مشابه دیگر مثلاً در مورد مبارزه با کراسی، لازم است نشان دهیم که این کارها اساساً عطفی نخواهد بود و هر چه ممکن است در نهایت فقط ما چنان کاسته شود و در حقیقت بهتر است که بحت خود را با نکران این دو نکته دنبال کنیم که اولاً قاچاقچیان مواد مخدر در واقع بخشی از سرمایه داران این مملکت هستند که تا به میل خود سرمایه خویش را در این راه بکار انداخته اند و دوماً حکومت جمهوری اسلامی بنا بر ما پیشتر چون نمیخواهد و نمیتواند سرمایه داران را "طرف نشود" بجهت سود هم قاچاق مواد مخدر را ریشه کن کند.

در مورد مکتد اول مشکلی است مددای بکوسه که این "بخش بی از سرمایه داران" است سرمایه سه خواهر برای دیگری بکار انداخته اند که موجب تجدید بخشی برای خواستای مملکت ما شود. حسن کسانی که سرمایه داران به حرکت میخوانند و در حال حاضر سرمایه است. فقط بعضی رسته های سرمایه گذاران، بدین بخش که از این سرمایه ها نصیب

میرد؟ آیا کارگران مبارزان در بین یکسال و نیم باز هم بیشتر از گذشته درک نکرده اند که سوداگر فرما چیزی نیست مگر نتیجه دسترنج آنها؟ آیا کسانی که سرمایه هایشان را در فعالیت های ساختمانی، با خرید و فروش زمین و یا تجارت کالاهای مصرفی بکار می اندازند، جز غارت دسترنج زحمتکشان، محل درآمد دیگری هم دارند؟ آیا تا بحال شنیده اید که یک سرمایه دار بر اثر نصیحت و بجا طر رعایت "اخلاق" دست از استثمار و غارت زحمتکشان بردارد و از خیر سرمایه های پیش بگذرد؟ اینهمین دلیل است که ما میگوئیم این زالوهای اجتماع را نمیتوان نصیحت کرد که در بعضی جاها سرمایه گذاری بکنند و در بعضی جاها نکنند. بخصوص در جامعه سرمایه دار که زمینه های فرهنگی و اجتماعی مساعدی برای میل به اعتیاد در میان جوانان وجود دارد و همسواره بخشی از سرمایه ها برای رفتن به سمت این بازار پر رونق، آمادگی پیدا میکنند. حالا اگر یکی از این جکومت های سرمایه داری از نصیحت دست برداشته و با اعدام این بخش از سرمایه داران بخواهد آنها را بترساند، حداکثرش اینست که تعدادی از سرمایه داران از این بازار بر رونق ولی پردرد برتر سندویسه طرفش نروند، اما این مسلم است که در هر حوزه ای که سود در کار باشد، فقط سرمایه هم بطرفش خواهد رفت. چرا دولت جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود که اعتبار در جامعه ریشه کن کند؟

اما در مورد نکته دوم، کمیونیت ها همواره گفته ایم و همواره نیز تکرار خواهیم کرد که علت کلیه نابسامانی های جامعه، مساب نظام سرمایه داری و استبداد است و نه چیز دیگر. و در این چند مدت بعد از قیام، بارها و بارها کوشیده ایم که نشان دهیم چگونه حکومت جمهوری، سیستم سرمایه داری و استبداد را حفظ میکند. اگر غیر از این بود رژیم جمهوری اسلامی در زمینه های دیگر و بعضی اعدا زالیها، اگر تریسای و هروئین در عرض چند ماه فتردی را از کار می اندازد کارگردانان کارگران این را در مردمی طو لانی سرمایه دار و فزونی میکند.

و سرمایه داران نمیتوانند "اخلاق زحمتکشان" تنگی باشند. آنها کسی که سرمایه اش را در کارخانه بکار می اندازد، سود ترا فتمندان سه



شده و مسلماً جوانان کمتری بسا اعتیاد خواهند افتاد. در حقیقت اگر حکومت و بخصوص خلخالی همین ادعا را میکردند و سوزیزه اگر توفیق و تقاضای مردم ما هم همینقدر بود، آنوقت دیگر جایی برای بحث وجود نداشت. اما مشکل از آنجا آغاز میشود که گردانندگان رژیم، متسل تمام موارد دیگر با عوام فریبی اعلام میکنند که اینها با قاطعیت

مبارزه کارگران برای آزادی نمایندگان شورای شرکت نفت

دستگیری هتم از نمایندگان شرکت نفت، با مخالفت ها و مقاومت هایی در بین کارگران این شرکت و سایر نیروها و عناصر آگاه و انقلابی روبرو شده است.

کارگران این شرکت، علاوه بر مقاومت ها و اعتراض ها در این مورد هیات بیست نفره ای را برای پی گیری امر دستگیری "نمایندگان" به تهران اعزام کردند که ایمن هیات پس از گذشتن از موانع عبور متعدد، چه در مقابل خانه "امام" و چه در مقابل خانه "احمد خمینی" با دست خالی بازگشته و گزارش کار خود را به کارگران دادند.

در همین جلسه یکی از نمایندگان کارگران گفت "مسأله ما تنها آزادی این ۴ نفر نیست مسأله برگشت حاکمیت طاغوتیان است و رفتن به زیر سلطه همان مدیسران سابق، مسأله ما، شورا است و آنها

در این جلسه اعتراضاتی نسبت به عدم امکان استفاده از چاپخانه شرکت انجام گرفت و سپس قطننا میهن شورای کارگران خواننده شد که مورد تائید همگی قرار گرفت و بعضی از مواد قطننا مه چنین بود.

آزادی بی قید و شرط نمایندگان استفاده شوراها از امکانات شرکت نفت، جلوگیری از برچیدن شوراها و ...

در پایان کارگران از خیابان پا نگاه آبادان تا بیما رستان بهمنشیر دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند.

شاعرهایی از این قبیل میدادند که:

زندانی سیاسی، آزاد باید گردد
وزیر فاششورا، اعدا ما باید گردد
زحمتکش را تعاد، تعاد
شورا، شورا، استرگ زحمتکشان ●

آنها روی تعطیل هشتم است. آیا مبارزه برای تعطیلی روز هشتم جرم است؟ این نماینده با این جمله صحبت های خود را تمام کرد: "حرف ما کارگران این است که چنین بخشنامه هایی را بصورت مادرکنندگان آن میکوبیم" (اشاره به بخشنامه ای که توسط مبین فرما در شده و شورا را زیر سؤال کشیده و اجازت استفاده از چاپخانه را از آنها گرفته و ...)

جلوی این خواست ما میاستند چون پایگاه های آنها هنوز در اینجاست موجود است و از بین نرفته است. ما با این هدف در انقلاب شرکت کردیم که اختلاف طبقاتی از بین برود نه اینکه الان ببینیم که نمایندگان ما را سرمایه داران به بند می کشند. شخصی همچون "مبین فر" که دارای نشان آریا مهوری است، به چه مجوزی برادران ما را به بند کشیده و حتی ملاقاتی هم ندارند، یکی از آنها ماتی که به این ۴ نفر زده اند، با فشاری

نظام پوسیده

تک تک مردم استفاده میکنند، سرمایه های ملت را نه در جهت سود بلکه درست در رشته هایی به کار میاندازد که کارگران و زحمتکشان به تولیدات آن احتیاج داشته باشند هدف دولت قطع کامل وابستگی از امپریالیسم میگردد و چرخ تولید نه برای سود پیری سرمایه های وابسته به امپریالیسم بلکه بدست توانای خود کارگران و زحمتکشان و برای رفع نیازهای مردم به حرکت در میاید.

اطمینان کارگران و زحمتکشان به حکومت و اهداف آن موجب آن میگردد که از جان و دل کارکنند و در بیاری و کمک به هم در بر خورد به دشواری ها بکوشند. بر خورد مردم به محاسره اقتصادی و کمبود مواد غذایی در

بقیه از صفحه ۲

کردستان شاید ناقصی از رول بطور مناسبات مردم در آئینده باشد. در زمان محاصره اقتصادی کردستان و بخصوص شهر سنج در توسط شورا هایی که در محلات بوجود آمده بودند جناس کمیا با رابین مردم تقسیم کرده و با قیمت مناسب به مردم زحمتکش شهری میفروختند. و خود مردم بر قیمتها کنترل و نظارت داشتند در شورا ی موسس محلات که همه شوراها را زیر نظر داشت مواد غذایی رسیده به شهر را حساب کرده و به هر خانواده به اندازهای که خود داشتند و احتیاج داشت میدادند و مردم هم که متحدانه دست به عمل میزدند و خود در این عمل شریک بودند تا زهرگونا حکما رو جمع آوری مواد برای روز مبادا خودداری

میکردند و وضع شهر سنج نمونه بسیار کوچکی از چگونگی برخورد خود مردم به مشکلات است شاید هر یک از ما بتوانیم در طول قیام دهها مثال از این دست بزنیم.

اما برای قیام با وجود آنکه مردم حکومت را از خودشان میدانستند اما بزودی حس کردند که راه دولت راهی نیست که آنها میخواهند و دیدند که وضع زندگیشان نه تنها بهتر نشده بلکه فشارهای زندگی بیشتر هم شده است دیدند که راه حل های دولت و نقطه های پنی مدبرگی پس از دیگری نادرستی و عدم توانایی خود را در پاسخ به مشکل نشان میدهند و اکنون دیگر مردم کمتر چشم امید به راه حل های رژیم دارند. از سوی دیگر فشارهای زند-

گی بر مردم، فقر، بیکاری، کمبود مسکن و فشارهای سیاسی، و زورگویی های ما موران کمیته روز به روز بیشتر شده و راه در مقابل هیات حاکمه قرار میدهد. و عدم توانایی رژیم در پاسخگویی به مشکلات مردم و رشد روز افزون فشارهای اقتصادی و سیاسی وارد به مردم چشم انداز گسترش هر چه بیشتر مبارزات توده ها را علیه سیستم موجود در مقابل ما عیان میسازد.

این مبارزات با بدتحت رهبری طبقه کارگر به کسب قدرت سیاسی توسط توده ها منجر گردد. و مشکل گزانی را در کنار هزاران مشکل دیگر طبقه کارگر حل نماید ●

بقیه از صفحه ۵

اعتیاد و قاجاق

بخش مهمی از علت این گزانی بخاطر "سود" فراوانی نیست که جیب بازرگانان بزرگ را پر میکند؟ آیا دولت جز نصیحت کردن به "انها" کار دیگری کرده است؟

و آیا هر کس نمیتواند مثال های فراوانی در این زمینه باززند؟ و درست بدلیل وجود همین مثالهاست که ما قاجاق در خواهم بود به زحمتکشان نشان هدیم که علیرغم اینکه خواست آنها در مورد حل مشکلات زندگی بر مشقتشان بسیار ضروری و برحق است اما هیات حاکمه جمهوری اسلامی نخواهد توانست آنها را حل کند.

در مورد برخورد قاطع به جریان

مواد مخدر نیز با شناختی که مسأله از حکومت جمهوری اسلامی داریم منتقدیم که اگر چه کشتار تعدادی قاجاقچی میتواند بعضی از نیازها را برطرف کند اما از اینکار دست بردارند اما هرگز قاجاق در نخواهد بود مسأله اعتیاد را ریشه کن کند، و در اینصورت نیز چون تمامی دیگر مواد رذیلات حاکمه ثابت خواهد کرد که هرگز نمیتواند و نمیتواند تنها زهای واقعی زحمتکشان برابر آورده کند و هر چه بیشتر نشان خواهد داد که رفیع خواستهای کارگران و زحمتکشان تنها با درست گرفتن امور توسط خود آنها با تا نبود کردن ریشه سرما به داری و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق امکان پذیر است ●

بقیه از صفحه ۱

۱۵ خرداد ۴۲

اگر قیام ۱۵ خرداد ۴۲ برای رها بی از بند استبداد و استعمار بود، اگر برای گسترش آزادیهای اساسی بود، میراث خواران آن قیام ۱۷ امیال بعد در همان روز، تهدید پشت تهدید و اعلامیه دادستانی پشت اعلامیه دادستانی ما در کرده و همه ۱۵ خرداد را مورد هجوم قرار میدهند. آنها قیام را با نژده خرداد دو قیام ۲۲ بهمن را گرامی میدارند تا از محتوی تهی سازند. بحال شهدا افسوس میخورند تا خون شهدا را بر باد دهند!

آنها برای شهدای ۱۵ خرداد "اشک میریزند" اما صحنه هایی دهها

با رفیعی تراژدی را در کردستان تکرار میکنند. غافل از آنکه خون شهدای کردستان، ۱۵ خرداد دو ۲۲ بهمن و همه شهدای راه آزادی خلق ایران در یک رود جاریست.

حرمت خون شهدای ۱۵ خرداد را پاس داریم اما نه با بسیج پشت سر شوری انقلاب، بلکه با فشرده تر کردن هر چه بیشتر صفوف خلق در پشت سر طبقه کارگر.

حرمت خون شهدای ۱۵ خرداد فقط با کمک و یاری همه جانبه جنبش مقاومت خلق کرد و همه خلقها ایران امکان پذیر است ●

قول 'شرف' پاسداران

موفق نشده و مجبور میشوند به دنیا ال مجوز به دادگستری بروند. حدود ساعت ۱۱/۵ شب گرو تحقیق کمیته مرکزی سپاه پاسداران به دادنشکده میآید. آنها میگویند: آیت الله قدوسی در دادگستری نبوده و ما میتوانیم دانشجوی بورا با خودمان ببریم. در این فاصله گروه تحقیق با کمک کمیته شهری عده ای از جاقوکش ها و لاسین های شهری را جمع کرده و جلوسر دانشکده جمع کرده بودند.

اما با زیبا مقاومت دانشجویان و استادان روبرو میشوند و بعد از گفتگو با هم حرف خورا عوض کرده و می گویند "طبق تحقیقات ما ایشان را عوضی گرفته ایم، سوء تفاهمی پیش آمده و این دانشجویان متوالت آزاد باشد.

دانشجویان بلافاصله مسوزت جلسه ای نوشتند و در آن از پاسداران خواستند که این دانشجویان را سالم بده

عده ای از پاسداران کمیته سپاهیان ری روز چهارشنبه ۳۱ شهریور - بین واردات دانشکده تکنکوم تهران شده و سعی میکنند که یکی از دانشجویان کرد را به دلیل آنکه "پیشمرگه کومه - له" است دستگیر کنند. این عمل که توهینتی به محیط دانشگاه بود و با اعتراض اکثریت دانشجویان روبرو میشود و دانشجویان اجازه نمیدهند، پاسداران دانشجویان را ببردند. دانشجویان پیش رئیس دانشکده و استادان میروند و به این عمل اعتراض میکنند. و بعد از بحث و گفتگو به این نتیجه میرسند که بسیاری دستگیری این دانشجویان مجسوز قانونی داشته باشد. ولی پاسداران کمیته شهری اصرار میکردند که همین حکم بازداشت کمیته خودشان کافی است. ولی بعلمت اتحادیه کارگری استادان و دانشجویان در کار خود

دان و دانشجویان و رئیس دانشکده سوار شدند ما شین شدند و از دروازه دانشکده خارج گشتند هنوز چند متری برقیته بودند که حدود ۱۰ الی ۱۱ ما شین و چند موتورسیکلت راه را برداشته و با استادان بستند و با ۳ و تبا آنچه و جاقو قومه به جان استادان و دانشجویان افتادند و تعداد زیادی از آنها را زخمی کردند.

در تمام این مدت پاسداران قول شرف داده اند. اما هجریات بودند و تنها میگردند و بعضی از آنها بی لباس شخصی جریانات راهبری میکردند. ابتدا در مقابل فشار مردم که چرا داخل نمیکنید، میگفتند آخر نمیشود که جلومردم را گرفت! این کارها به ما مربوط نیست!

اما با تمام این احوال و بعلمت مقاومت یکپارچه و اتحاد دانشجویان و استادان و علیرغم زخمی شدن بسیاری از آنها پاسداران نتوانستند دانشجویان را دستگیر کنند!

و با این اعمال خودتتها بیش از پیش رسوا شدند ●

محل سکونت خود ببرد. ولی پاسداران از امضاء کاغذ خودداری کرده و گفته اند ما اجازه چنین کاری را نداریم. بعد از رفتن پاسداران حدود ساعت ۱۲ شب که تعداد زیادی استادان شجوه و رئیس دانشکده در دادنشکده بودند خبر میرسند که تمام اطراف دانشکده و چهار راه ها با افراد لاسین و جاقوکش بسته شده است.

دانشجویان و استادان تصمیم گرفتند با مقامات دولتی تماس بگیرند و به دفتر ریاست جمهوری تلفن زدند و در جواب دفتر ریاست جمهوری گفت که ما چند نفر را برای بررسی میفرستیم! اما تا ساعت ۱۱ بعد از نیمه شب از آنان خبری نشد. در ساعت ۵/۵ پاسداران کمیته مرکزی دوباره به دادنشکده برگشتند و گفتند شما باید جتما از دانشکده خارج شوید و ما قول شرف میدهیم که همه شما را سالم بده مقصد بزنیم.

دانشجویان و استادان تصمیم گرفتند دسته جمعی و با دانشجوی مذکوره طرف خوابگاه بروند. استا -

حزب رنجبران، دوباشگاه سیاسی که در عمل بر ضد منافع طبقه کارگر قدم بر میدارند و بعنوان نیروهای ضد انقلاب و ضد خلقی، دشمن هستیم. هر چند که آنها بظاهر خود را ما را رکنیست قلمداد میکنند.

باید به کارگران نشان داد که اخراج میارزین از کارخانه هسا، سرآغاز سرکوب و سبقت همه کارگران و کوشش در راه تثبیت کامل اوضاع بیفیع سرما یه داران و جلوگیری از کوچکترین مبارزه و حق خواهی کارگران است.

باید به کارگران نشان داد که اخراج درست در آنجا هایی صورت گرفته است که کارگران آگاه خواسته اند قدمی در راه مصالح انقلاب و مصالح طبقه کارگر و در واقع علیه سرمایه داران و حکومت حامی آنها بردارند.

ما معتقدیم این اقدامات، اولین اخراجها بعلمت عینیت مبارزه طبقاتی و بعلمت ناتوانی رژیم در پاسخ گویی به خواسته های کارگران و زحمتکشان نمیتواند برای رژیم کار ساز باشد.

اما باید در مقابل آن ایستادگی کرده و با افشای مقاصد ضد کارگری رژیم، این توطئه ها را هر چه زودتر خنثی کرد ●

شکنند. این ها صدها تبلیغ دیگر، همراه با توهم بخشی از کارگران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، باعث شده است که در بعضی از کارخانه ها، با فزونی کارگران موفق به اخراج کارگران مبارز شوند.

این ساله، وظیفه خادوشا قسی را بر گردن رفقای کارگر میسارز و آگاه میگذارد تا با افشای این اعمال سنگین ضد کارگری، و با تکیه بر مهمترین تضاد اساسی کمونیست ها، با رژیم، که نه بر سر مذهب، بلکه بر سر منافع کارگران و زحمتکشان است، وظایف سنگین خویش را به انجام برسانند. باید به کارگران کارخانه هفا نده شود که کمونیست ها به عقاید مذهبی دیگران احترام گذاشته و تضاد و اختلاف آنها با رژیم بر سر مذهب و اسلام نیست.

و خصومت اصلی آنها با سرمایه داران و حاکمان آنهاست، حال خواه این سرمایه داران، مسلمان، یهودی و یا اینطور که بتنازگی رایج شده است عضو حزب توده و یا بی دین باشند!

باید به کارگران نشان داد که کمونیست ها دشمنان کسانی هستند که منافع کارگران و زحمتکشان را زیر پا میگذارتند. ما با حزب توده و

از اخراج کارگران

بقیه از صفحه ۸

"چا خودسته خویش را نمیبرد" اینجا مصداق خویش را از دست داده است. کارگران بر علیه کارگران!

رژیم جمهوری، در مبارزه با کمونیست ها و انقلابیون، میراث جوان رژیم گذشته است. سالها تا یعه پراکنی، لجن مالی، و تهمت های بیشرمانه به کمونیست ها، و انقلابیون، از قبیل اینکه، آنها وابسته اند، آنها به مسائل تشکیل خانواده با پیوسته نیستند و... در ذهن توده ها نقش بسته است و مبلغین رژیم، بخوبی بی از این مطالب بهره برداری میکنند.

صدها هزار اوراق تبلیغی، سراپا دروغ و فریب در مورد اینکه کمونیست ها چه میگویند، از طریق عمال حزب جمهوری اسلامی، در کارخانه ها پخش میشود در آنها جملات مسخره ای نظیر اینکه "لنین گفته است استثمار رچیز خوبیست!" بخورد کارگران میدهند درصدها غلامیه، با مقایسه رهبران مذهبی ضد اسلام و با یه گزاران سو-سیالیم علمی، دست به تحریک احساسات مذهبی زده و اختلاف اساسی خویش را با کمونیست ها، بر سر مسائل مذهب و وجود یا عدم وجود خدا، و انبیا

انقلابیون و کارگران مبارز، در مقابل این دسیسه ها ساکت نخواهند نشست. و با زحمت عناصروا بستنه و بزور و افشاء خواهند کرد از طرف دیگر میدانند که کمونیست ها و نیروهای انقلابی و کارگران مبارز نه تنها دسیسه های آنها را افشاء خواهند نمود بلکه با آگاه کردن و هدایت شان از زرات کارگران نخواهند گذاشت آن خوش از گلوی کارفرمایان و دولت پایین رود و از این سوست کسه کمونیست ها و کارگران مبارز دست نه داشته از کارخانه ها اخراج میشوند و با این کار کارفرمایان به خیال خود، در کارخانه تجارات آرامش را برقرار میکنند. آری در سال امنیست" در واقع امنیت سرمایه داران را تا به بین کرده.

هر چند این اعمال، در بسیاری از کارخانه ها با نقیصت کارگران روبرو شده و با هوشیاری آنها خنثی میشود، اما متاسفانه، بعلمت ناآگاهی بخشهایی از کارگران، در پاره ای از کارخانه ها، این اخراج ها یکم کارگران ناآگاه عملی شده است. "گویی" این ضرب المثل که

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!

به تحریک بخشی از کارگران پرداخته و دست به تصفیه و اخراج کارگران مبارز میزنند و در همان حال، دهها و دهها، مدیر، سرپرست مزدور بخود فروخته با واکی را که در جریان انقلاب تصفیه شده اند با تسبیحی در دست و ریشی پر پشت بر صورت، بسه کارخانه باز میگردند. مثلا در مجتمع فولاد اهواز، جایی که کارگران مبارز را اخراج کرده اند، مهندسین لاهوتی، عامل رژیم گذشته را، بسا حکم "دولت جمهوری اسلامی" بسه کارخانه باز میگردانند. مهندسین لاهوتی کسی بوده است که بسوسلیسه کارگران مبارز و همراهی همه، کارگران از کارخانه اخراج شده است. اخراج کارگران مبارز و بازگشت مزدوران و خود فروشان رژیم شاه مکمل یکدیگرند. آنها بخوبی میدانند و تجربه دریا افتاده اند که نیرنگ وی آگاه، کارخانه ها، کمونیستها و بقیه در صفحه ۷۰

عوامل حزب جمهوری اسلامی، و احزاب و گروههای مشابه اش، در کارخانه ها، با استفاده از ناآگاهی کارگران، بسا سوء استفاده و تحریک



احساسات مذهبی آنها، و بسا بهره گیری از همه، تبلیغات کثیفی که رژیم شاه لایان دراز، در مورد کمونیست ها و انقلابیون کرده است،

نهادخته میشوند، در پالایشگاه آباد - ان، ۶ تن از نمایندگان کارگران بازداشت شده و در زندان به سر میبرند دهها نفر کارگران انقلابی و مبارز دیگر، بجرم پشتیبانی از گروهها و سازمانهای انقلابی، و بسا پلیس در بین روشهای قرون وسطایی تفتیش عقاید، اخراج شده اند و این کارها هر روز ادامه دارد. اینها تازه غیر از اخراج هایی است که کارفرمایان، طبق فرمان قانون بود، انجام داده اند. در کارخانه های نظیر "مانا" کارفرمایان بسلطت کسادی کار دهها نفر از کارگران را که با غرق جبین و شیر ه جان خود، سنگ بر سنگ نهاده و این کارخانه های عظیم را ساخته اند - اخراج میکنند. تیغ حمله رژیم، و عوامل دست نشانده و مزدور و یار فریب خورده اش در کارخانه ها، اینک بر علیه کارگران مبارز و آگاه نشانه رفته است.

خبر کارگران دهنده ای در مورد اخراج کارگران مبارز، زک راخانه - ها میرسد. در کشت و صنعت کازرون ۴۶ نفر بجرم اخلاکگری، که در واقع تسبیح مبارزه برای حقوق کارگران و زحمتکشان است اخراج میشوند. این عمل در مورد شرکت هواپیمایی ملی، بتلافی جلوگیری کارکنان این شرکت از بردن اسناد و اسامی آمریکایی صورت میگردد. در فاسترویلر، بجرم درخواست کارگران در ملی کردن شرکت و افتشای اسناد قراردادهای اسارت بار، کارگران "فصول" اخراج میشوند. در زمینه ناظمی، دارو - بخش و تکنیکار و دهها کارخانه دیگر، نمایندگان مبارز و کارگران آگاه بجرم با فشاری بر "شوراهای واقعی کارگری" و "میازره در راه حقوق صنفی - سیاسی کارگران، بسا مهربانان انقلاب، از کارخانه بیرون

خودسوزی يك کارگر زحمتکش، نمایش جنبش کارگران سراب داران را

زندگی راحت و اشرافی خود ادا شده میدهند و عین خیالشان هم نیست. ما میگوئیم فاجعه، خودسوزی یک کارگر زحمتکش، در حقیقت نقطه پایانی بر یک زندگی مشقت بار و طاقت فرسا است که همه، زحمتکشان ایران بخوبی از آن اطلاع دارند و زهر تلخ آنرا زیر دانه هایشان مزه مزه میکنند. ما میگوئیم که این فقط کارگران و زحمتکشان هستند که در مقابل این فاجعه و خشتناک، وقاحت بیشرمانه، تبلیغات چی های حکومت جمهوری را در باره "حکمت مستضعفان درک میکنند و عمق این دروغ پردازیها را میفهمند و به همین دلیل است که فقط کارگران و زحمتکشان ما قادرند درخواهند بود تا با افتشای این جنایات و نشان دادن تبلیغات سر با دروغ، مفوف طبقه کارگر قهرمان ایران و دیگر زحمتکشان را برای مبارزه با تمام مظالم و سرما به داری وابسته هر چه بیشتر فشرده تر کنند.

فازلانه ای بتمدن گیری از خودسوزی بهای احتمالی آینده زحمتکشان، به مطالبه و بررسی میپردازد و ندوبخشنامه ها و آئین نامه های طاق و جفت ما در میکنند! دست آخربه ای بس نتیجه میرسد که چون هزینه زندگی فقط ۱۲٪ بالارفته است، پس بسا اضافه کردن ۱۰۴ ریال به حقوق کارگران، این افزایش هزینه جبران شده و بحمد الله کارگران عزیز ما از این پس هیچ مشکلی نخواهند داشت!! ما روی سخنان با گردانندگان فکل کراواتی وزارت کار نیستیم که با شکم های سیر و بقد حفظ نظام سرما به داران به بالا و پائین کردن مزد کارگران میپردازند. ما بسا کارگران مبارز حرف داریم که هر روز در میان خود در میان سایر زحمتکشان ایران، شاهد فقر و مسکنت روز افزونی هستیم که زندگی را بشدت بر آنها تنگ کرده است. و این در حالی است که شروتمندان در پیناساه جمهوری اسلامی با فراغ بال بسه

هر روزه نظام سرما به داری کار در آنجا ن بر استخوان زحمتکشان میفشارد که فقط چند کلمه ناچیسز، دیگر در اعلام خودسوزی یک کارگر زحمتکش بسوسلیسه بنزین، قا در خواهد بود تا تمام گستره، هولناک آن سرا به نمایش بگذارد. عظمت این فاجعه! علی رغم فضای حقیری که روزنامه ها بسه آن اختصاص داده اند تا ما زحمتکشان ایران و بسویژه طبقه کارگر قهرمان ایران، بسا تمامی وجود درک میکنیم. و آنرا زخمی التیام نیافتنی بر بیکر خویش و لگه تنگی پاک نشدن بر چهره، کوبه نظام سرما به داری قلمداد میکند. بسا این وجود، حکومت سرما به داران و میرز قلمدان های جنسیت مکانش با خوش سردی و قبیحانه ای به این صحنه های رعب آورنگریسته و در عین حفظ متانت و وقار سرما به دارانه خویش، به رتق و فتق عمیق امورنا چیز مشغولند و بسا شکمهای

خبر کوتاه و هولناک بود. یک کارگر کاشی کار در دفتر شاه چسراغ شیراز خود را آتش زد. اینبار میزرا بنویسمای حقوق بگیر روزنامه های ما بسوزده رژیم، در لایبلی محفصات گرانمای روزنامه های خود، بسه قلم لطف و کرامت! خبر "تی اهمیت" خودسوزی یک کارگر زحمتکش را نیز منعکس کرده بودند. انقلاب اسلامی شنبه ۱۰ خرداد. ما اجرا، بخودی خود، به همان اندازه معمولی است که روزنامه ها نوشته اند: "بدنیال شکایت چند تن از کارگران کاشیکار در مورد کمیسیون حقوق و بی بهره بودن از بیمه که شب پنجشنبه با هیات مناد در میان گذاشتند. این هیات تصمیم گرفت که شکایت کارگران مزبور را به اداره کار ارجاع نماید و طبق تشخیص آن اداره حقوق آنها تعیین و به کار آنها رسیدگی گردد." آری در لایبلی همین بطور خشک و خالی است که فاجعه مکرر جنایات

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط به وسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!